



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



شعور حیوانات
در عزای حسین
امام حسین

غیرت آزکی و نقد و بررسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شعور حیوانات در عزای امام حسین علیه السلام

نویسنده:

علیرضا زکی زاده رنانی

ناشر چاپی:

وثوق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	شعور حیوانات در عزای امام حسین علیه السلام
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۸	پیش گفتار:
۲۰	بخش ۱: کلیات
۲۲	در آمد
۲۵	آگاهی و شعور حیوانات
۲۵	اثبات آگاهی و شعور حیوانات از نظر علمی
۲۸	آگاهی و شعور حیوانات در قرآن
۲۸	اشاره
۲۸	۱- آیاتی که بر تسبیح و حمد تمامی موجودات دلالت دارد:
۳۰	۲- آیاتی که بر خشوع، تسلیم و بندگی تمامی موجودات در برابر خدا دلالت دارند
۳۲	۳- آیاتی که به نطق و سخن گفتن جانوران دلالت دارند:
۳۶	۴- آیاتی که بر مأموریت و فرمان پذیری و اطاعت برخی از موجودات دلالت دارند:
۳۶	۵- آیاتی که بر حشر و نشر حیوانات دلالت دارند:
۳۷	شعور و آگاهی حیوانات در روایات
۳۷	اشاره
۳۷	۱- روایاتی که دلالت بر تسبیح حیوانات دلالت دارند
۴۰	۲- روایاتی که دلالت بر سجده، خشوع و بندگی حیوانات دارند:
۴۱	۳- روایاتی که دلالت بر نطق و سخن گفتن حیوانات دارند:
۴۳	۴- روایاتی که دلالت بر حشر حیوانات در روز قیامت دارند:
۴۷	آثار و کارکرد های اعتقاد به شعور حیوانات

- ۴۷ ۱- آثار تربیتی
- ۴۷ اشاره
- ۴۷ ۱/۱- تواضع و فروتنی
- ۴۸ ۱/۲- ادب و حیا
- ۴۸ ۱/۳- خلوص و یکتا پرستی
- ۵۰ ۲- آثار حقوقی
- ۵۱ حقوق حیوانات
- ۵۳ پیوست: آثار وجودی حیوانات
- ۵۳ اشاره
- ۵۳ ۱- برای باربری:
- ۵۳ ۲- استفاده پوشش از پشم (برای فرش، لباس، خیمه و...) و پوست آن ها (برای خانه های سیار و...)
- ۵۴ ۳- استفاده از گوشت آن ها
- ۵۴ ۴- برای زیبایی شکوه و زینت:
- ۵۴ ۵- استفاده از شیر:
- ۵۵ ۶- لذت نگاه کردن از زیبایی آن ها در تفاوت رنگ ها و گونه هاشان
- ۵۵ ۷- فضولات آن ها جهت کشاورزی
- ۵۵ ۸- ایجاد اشتغال زایی برای انسان ها به راه افتادن کارخانجات لبنیات، چرم سازی، کنسرو سازی، ریسندگی و بافندگی
- ۵۵ ۹- جهت مسابقه، تفریح کسب ابهت
- ۵۶ ۱۰- مایه تفکر و دقت
- ۵۹ سخن آخر
- ۶۰ بخش ۲: شعور حیوانات در عزای امام حسین (علیه السلام)
- ۶۰ اشاره
- ۶۲ فصل اول: نوحه گری حیوانات قبل از شهادت امام حسین علیه السلام
- ۶۲ اشاره
- ۶۴ حضرت ابراهیم علیه السلام وقت عبور از کربلا
- ۶۷ حضرت اسماعیل علیه السلام و پیش گویی گوسفندان

۶۹	حضرت عیسی علیه السلام و مرثیه خوانی شیر
۷۰	حضرت عیسی علیه السلام و مرثیه خوانی آهوان
۷۸	فصل دوم: نوحه گری حیوانات بعد از شهادت امام حسین علیه السلام
۷۸	اشاره
۷۹	روایات شعور مندی عزاداری حیوانات بعد از شهادت امام حسین علیه السلام
۸۵	سایه بانی پرندگان
۸۵	عزا داری پرندگان
۸۸	پرنده خونی و شفای دختر یهودی
۹۱	عزا داری جغد
۹۲	عزا داری ذو الجناح
۹۶	سکینه و اسب پدر
۱۰۱	زبان حال حضرت سکینه با ذو الجناح
۱۰۳	سر نوشت ذو الجناح
۱۰۵	کلاغ آغشته به خون امام حسین علیه السلام
۱۰۷	دانه نخوردن گنجشکان
۱۰۸	پاسبانی شیر از بدن مقدّس
۱۱۴	عزا داری حیوانات در دامنه کوهی در کشمیر
۱۱۵	عزا داری حیوانات در کوه الوند
۱۱۸	کلام آخر
۱۱۸	احترام حیوانات به قبر امام حسین علیه السلام
۱۲۱	کتابنامه
۱۳۳	گزیده ای از آثار مؤلف
۱۳۴	آثار در دست چاپ:
۱۳۶	فهرست برخی کتب انتشارات وثوق
۱۳۹	درباره مرکز

شعور حیوانات در عزای امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : زکی زاده رنانی، علیرضا، 1354 -

عنوان و نام پدیدآور : شعور حیوانات در عزای امام حسین علیه السلام (نقد و بررسی)/علیرضا زکی زاده رنانی.

مشخصات نشر : قم: وثوق، 1389.

مشخصات ظاهری : 125ص.

یادداشت : عنوان دیگر: نقد و بررسی شعور حیوانات در عزای امام حسین (ع).

یادداشت : کتابنامه: ص. 112 - 123.

عنوان دیگر : نقد و بررسی شعور حیوانات در عزای امام حسین (ع).

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- سوگواری ها

موضوع : حیوان ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : واقعه کربلا، 61ق -- مطالب گونه گون

رده بندی کنگره : 8ش/BP41/5 1389 7

رده بندی دیویی : 297/9534

شماره کتابشناسی ملی : 2252142

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس ذکری

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

شعور حیوانات در عزای امام حسین علیه السلام

(نقد و بررسی)

علی رضا زکی زاده رنانی

ص: 3

علی رضا زکی زاده رنانی

نقد و بررسی شعور حیوانات در عزای امام حسین (علیه السلام) / علی رضا زکی زاده رنانی - قم: وثوق، 1389.

128 ص.

20000 ریال

ISBN:978-600-107-048-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا:

کتابنامه: ص. (113) همچنین به صورت زیرنویس.

1. حسین بن علی (علیه السلام)، امام سوم، 4 بعد از هجرت - 61 ق. 2. سوگواری - آداب و رسوم.

3. حسین بن علی (علیه السلام) امام سوم، 4 بعد از هجرت - 61 ق - سوگواری. الف. عنوان.

BP 26/3/8 ن 8 1389

297/462

نقد و بررسی شعور حیوانات در عزای امام حسین (علیه السلام) /

علی رضا زکی زاده رنانی

ناشر: انتشارات وثوق

نوبت چاپ: اول، 1389

شمارگان: 2000 نسخه

قیمت: 1800 تومان

شابک: 978--600-107-048-8

آدرس دفتر مرکزی:

قم خیابان صفاییه، کوچه 28 (بیگدلی)، کوچه 9، پلاک 159

تلفکس: 7735700، همراه: 09122525839

تهران: خیابان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، ابتدای وحید نظری، بن بست بختیاری، پلاک یک، طبقه 3 / تلفن: 66971231 / همراه
09122525839

www.vosoogh.com

شماره پیامک انتقادات و پیشنهادات: 09122525839

مراکز پخش

تهران: انقلاب، مقابل دانشگاه، خ 12 فروردین، کوچه بهشت آیین، پلاک 9: انتشارات هاتف: 66415420

تبریز: خیابان امام، چهار راه شهید بهشتی، جنب مسجد حاج احمد، مرکز کتاب رسانی صبا، 3357886 - 0411

کاشان: میدان کمال الملک، کوچه نیش پاساژ شیرین، ساختمان شرکت فرش، واحد 6، موسسه کلک زرین، تلفن: 4464902 - 0361

مشهد: چهار راه شهدا، آزادی 2، مجتمع گنجینه کتاب، پلاک 306، تلفن: 2244144 - 0511

ص: 4

پیش گفتار...9

* بخش اول: کلیات...11

در آمد...13

آگاهی و شعور حیوانات...16

آگاهی و شعور حیوانات از نظر علمی...16

آگاهی و شعور حیوانات در قرآن...19

1- آیات تسبیح همه موجودات...19

2- آیات خشوع و بندگی موجودات...21

3- آیات سخن گفتن جانوران...23

4- آیات فرمان پذیری و اطاعت موجودات...27

5- آیات حشر و نشر حیوانات...27

آگاهی و شعور حیوانات در روایات...28

1- روایات تسبیح حیوانات...28

2- روایات خشوع و بندگی حیوانات...31

ص: 5

3- روایات سخن گفتن حیوانات...32

4- روایات حشر حیوانات در قیامت...34

آثار و کارکرد های اعتقاد به شعور حیوانات...38

1- آثار تربیتی...38

1/1: تواضع و فروتنی...38

1/2: ادب و حیا...39

1/3 خلوص و یکتا پرستی...39

2- آثار حقوقی...41

حقوق حیوانات...42

پیوست: آثار وجودی حیوانات...44

1- برای باربری...44

2- استفاده پوشش از پشم و پوست آن ها...44

استفاده از گوشت آن ها...45

4- برای زیبایی، شکوه و زینت...45

5- استفاده از شیر...45

6- لذت نگاه کردن از زیبایی رنگ و گونه هاشان...46

7- فضولات آن ها جهت کشاورزی...46

8- ایجاد اشتغال زایی برای انسان ها...46

9- جهت مسابقه، تفریح، کسب ابهت...46

10- مایه تفکر و دقت...47

- ویژگی های شتر...47

11- وجود حیوانات رحمتی از جانب خداوند...48

سخن آخر...50

* بخش دوم: شعور حیوانات در عزای امام حسین علیه السلام...51

فصل اول: نوحه گری حیوانات قبل از شهادت امام حسین علیه السلام...53

حضرت ابراهیم علیه السلام وقت عبورش از کربلا...55

ص: 6

حضرت اسماعیل علیه السلام و پیش گویی گوسفندانش...58

حضرت عیسی علیه السلام و مرثیه خوانی شیر...60

حضرت عیسی علیه السلام و مرثیه خوانی آهوان...61

فصل دوم: نوحه گری حیوانات بعد از شهادت امام حسین علیه السلام...69

روایات عزا داری حیوانات بعد از شهادت آن حضرت...70

سایه بانی پرندگان...76

عزا داری پرندگان...76

پرندۀ خونی و شفای دختر یهودی...79

عزا داری جغد...82

عزا داری ذو الجناح...83

سکینه و اسب پدر...87

سر نوشت ذو الجناح...94

کلاغ آغشته به خون امام حسین علیه السلام...96

دانه نخوردن گنجشکان...98

پاسبانی شیر از بدن مقدّس...99

عزا داری حیوانات در دامنه کوهی در کشمیر...105

عزا داری حیوانات در کوه الوند...106

احترام گذاشتن حیوانات به قبر امام حسین علیه السلام...109

کتابنامه...112

امام علی علیه السلام:

«به خدا قسم گویا می بینم انواع و اقسام حیوانات وحشی گردن های خود را روی قبر حسین علیه السلام نهاده و شب تا صبح برای حسین علیه السلام گریه می کنند و مرثیه می خوانند...» (1).

ص: 8

1- ر.ک: کامل الزیارات: 486 ح 3؛ ذوب النضار: 23 ح 7؛ بحار 205:45 ح 9؛ العوالم - الإمام الحسين علیه السلام - 489:2؛ مدينة المعاجز 164:4 ح 1186؛ مستدرک: الوسائل 258:10 ح 11956؛ مستدرک سفينة البحار 263:10.

پیش‌گفتار:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام بر حسین علیه السلام.

سلام بر عاشقان حسینی.

و سلام بر آن ارادتمندانی که در اندوه حادثه کربلا به سوگ نشسته و بر مصیبت بزرگ سالار شهیدان بزم عزا بر پا می‌کنند.

سخن از کربلا، شهادت و نوحه‌گری است با این تفاوت که حرف از ارادتمندانی دیگر است. حرف از عاشقانی که در مورد آن‌ها اندیشه نشده و چه بسا کسانی منکر آن بوده باشند.

آری، حرف از عاشقانی غیر انسانی است. سخن در مورد عزا داری و نوحه است ولیکن با نگاهی دیگر.

ص: 9

نگاهی به نوحه گری حیواناتی که بنا بر کلام نورانی معصومین علیهم السلام در غم شهادت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و حادثه بزرگ کربلا گریه کرده و در سوگ آن حضرت به ماتم نشستند.

از آن جا که باور این مطلب برای عده ای مشکل بود، نگارنده بخش اول این کتاب را به آگاهی و شعور حیوانات اختصاص داده و مسائلی دیگر از آن را به تفصیل بیان نموده ام.

امید است که این نوشتار که به پاس خدمت به حضرات معصومین علیهم السلام نگاشته شده مورد قبول و عنایت آن بزرگوران خصوصاً ساحت مقدس امام حسین علیه السلام قرار گیرد.

نگارنده هرگز این ادعا را ندارد که نوشته اش خالی از نقص نیست بلکه مدعی است که نوشتارش با زحمت فراوان تحقیقی همراه بوده، لذا از شما خواننده محترم تقاضا می‌کنم که بزرگی نموده و کاستی‌ها و نقد‌های خویش را برای نگارنده ارسال نمایید.

علی رضا زکی زاده رنانی، قم 1389

Email: alirezazakizadehrenani@yahoo.com

.www:/Zakizadeh.Blogfa.com

ص: 10

بخش 1: کلیات

شامل مباحث:

- اثبات آگاهی و شعور حیوانات
- آثار و کارکرد های اعتقاد به شعور حیوانات
- آثار وجودی حیوانات
- موارد آگاهی حیوانات

ص: 11

جهانی که ما انسان ها و همه موجودات در آن حضور داریم، جهانی است سراسر از شگفتی و عظمت. جهانی که در هر دوران درکی تازه از آن همواره برای انسان ها رخ داده است و البته که بسیاری از آن حقایق هنوز همچنان مخفی بوده و در هاله ای از ابهام قرار دارد.

پس از ظهور اسلام و نزول آیاتی از قرآن کریم که در آن به تسبیح، نطق و حشر موجودات (1) - خصوصاً حیوانات - اشاره شده، یکی از جمله مسائلی که مورد توجه و مطالعه جوامع بشری قرار گرفته و باعث پدیدار شدن مباحث گسترده و زیبایی نیز گشته است، مسأله درک و شعور (2) موجودات و همه ذرات هستی می باشد. (3)

ص: 13

1- به دسته بندی آن در ادامه مباحث اشاره خواهد شد.

2- شعور از ماده (شعر) به معنای موی می باشد. این معنا در علم و آگاهی نیز استعاره شده است یعنی آن طور علم و دانش فرا گرفتم که در دقت مثل به موی رسیدن است. ابن فارس در معجم مقاییس اللغة در مورد ماده «ش ع ر» می گوید: «برای شعر دو اصل وجود دارد یکی دلالت بر چیزی می کند که ثابت و پا بر جاست و دیگری بر علم و دانش و نشانه و علامت دلالت دارد. اما اصل دیگر این ماده قول عرب است: «شعرت بالشیء» هنگامی که به آن توجه پیدا نمودی و آن را درک کرده و به دقت آن را فهمیدی. (معجم مقاییس اللغة 3:193؛ نیز ر.ک: رافعی، مصباح المنیر 2:314؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن: 455 مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم 6:73).

3- امروزه بسیاری از دانشمندان از شعور مولکول ها، الکترون ها، اتم ها و... سخن به میان آورده اند و با استفاده از تحقیقات میدانی و مشاهدات تجربی به حقایقی نیز دست یافته اند. دکتر ماسارو ایموتو (Masarus Emoto) دانشمند ژاپنی است که با استفاده از ده هزار آزمایش، تحقیقات گسترده ای در مورد (آب) انجام داده و ادراک و فهم اجزای آب را به اثبات رسانیده است. پس از این آزمایش خانم حمیده بی طرف نیز در سال 1383 در جشنواره خوارزمی با استفاده از تحقیقاتی که بر روی مولکول های آلیاژ قلع، سولفات مس، جیوه و ملکول آب انجام داد موفق به رتبه برتر جشنواره گردید.

بسیاری از آیات قرآن و روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام همگی گویای این مطلبند که شعورمندی موجودات حقیقی بوده و با این وسیله در پی متذکر ساختن انسان ها به توحید ربوبی، رسالت انبیاء ولایت ایشان و اولیاء الهی می باشند.

بر این اساس می توان این ادعا را به خوبی آشکار نمود که این جهان و موجودات آن همگی در پی یافتن کمال بوده و همواره شوق به کمال و رهایی از نقص را دنبال می نمایند؛ لذا مفهوم (عشق) در بین تمامی موجودات عالم جریان داشته و همگی به نوعی راه وصال معشوق حقیقی را دنبال می نمایند. (1)

ص: 14

1- ملاصدرا رحمة الله علیه دوری از نقص و رسیدن به کمال را علت سریان عشق در تمامی موجودات دانسته و پس از اثبات این مطلب چنین می نگارد: (وقتی ثابت شد که هر موجودی خواه بسیط یا مرکب، دارای حیات و شعور و ادراک است پس ناگزیر دارای عشق و شوق هم هست و چون موجودات و درجات و مراتب آن ها را مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که در واقع، آن ها یا از هر جهت کاملند یا به گونه ای دارای نقصند. آن هایی که کاملند، یا کمال آن ها متعلق به خود آن هاست و از جایی دریافت نکرده اند و یا از جای دیگری دریافت کرده اند؛ اولی همان واجب الوجود است و دومی موجودات عقلی موجودات کامل به هر دو قسم آن جدای از عشق نیستند و عشق عین ذات آن هاست اما واجب تعالی تنها عاشق ذات خویش است و هم معشوق ذات خویش است و هم عین ذات خویش (یعنی هم خودش، خودش را دوست دارد و هم دیگری او را دوست دارد). و اما موجودات عقلی، عاشق اویند) نه عاشق ذات خویش، مگر از آن جهت که آثار اویند. پس عشق ذاتشان به ذاتشان در عشقشان به خدا، مستهلک و فانی است؛ همچنان که نور وجودشان مستهلک و مضمحل در نور احدیت است. پس در حقیقت در آن جا یک عشق متصل است که دارای مراتب می باشد بعضی از آن مراتب به بعض دیگر احاطه دارد. (وَ اللّٰهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ) (بروج (85):20) (ر.ک: اسفار 7:150 به نقل از عظیمی، علی، شعور موجودات در قرآن و حدیث، ص 55، پایان نامه کارشناسی ارشد، دار الحدیث قم).

از این روست که فیلسوف بزرگ اسلام، ملا صدرا رحمة الله علیه مدعی است که هیچ موجودی در این جهان از محبت الهی و عشق خدایی بی بهره نیست و اگر موجودی از این عشق لحظه ای خالی شود دچار هلاکت و نابودی و خاموشی می گردد. (1)

ایشان در تفسیر آیه شریفه (وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبُحُونَ) (2) حرکت خورشید و ماه و سایر کواکب را از روی عقل و تدبیر و اراده و اختیار می داند و آن را عشاق و بندگان خدا معرفتی

ص: 15

1- ر.ک: اسفار 2: 239-242 و 7: 152 به نقل از همان.

2- یس: (36): 40: (نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند).

می نماید. (1)

حاجی سبزواری در شرح منظومه خود نیز می گوید:

و كل ما هناك حيي ناطق *** و لجمال الله ذوق عاشق (2)

(و هر آن چه در عالم هستی است زنده و گویاست و بر جمال خدا پیوسته عاشق و شیداست).

آگاهی و شعور حیوانات

بوسیله دوراه عقل و نقل [آیات قرآن کریم و روایات نورانی معصومین علیهم السلام] می توان به خوبی آگاهی و شعور حیوانات را اثبات نمود، که در پی آن کارکردها و آثار اعتقادی مهمی برای انسانها بوجود می آید.

اثبات آگاهی و شعور حیوانات از نظر علمی

امروزه دانشمندان حیوان شناس به فهم دقیق و عجیب و درک

ص: 16

1- عبارت ملا صدرا چنین است: و المعني و كل واحد منهم - أي من الكواكب بدليل ذكر بعضها وهو الشمس والقمر - في فلك من الأفلاك يسبحون و يتحركون من موضع الي موضع و من وضع الي وضع بالعقل و التدبير و الارادة و الاختيار، طلبا لعبادة الله و طاعته، كما يدل ضمير الجمع لذوى العقول، و ليس فى العقل انقباض عن كون الأفلاك و ما فيها أحياء ناطقون، بل فى الانظار العقلية و القواعد الحكمية ما يدل على كونهم عشاقا الهتين و عبادا راعين ساجدين طوافين على باب حضرة رب العالمين رقا صين متواجدين فى ادراك عظمة أول الأولين هو الذي أدار رحاها و بسم الله مجريها و مرساها». (نک: تفسیر القرآن الکریم (5:117))

2- شرح منظومه 4:379.

لطیفی از حیوانات اشاره نموده اند که آن جز از خردمندان نمی زند و این می تواند حداقل گویای اندازه ای از درک و فهم حیوانات باشد.

نمونه ای از آن موارد چنین است:

1- از نظر علمی تازه ثابت شده که حیوانات دارای ادراک و شعور هستند به عنوان مثال در یک هوای بارانی میمون ها با عجله با صدای مخصوص به پناهگاه فرار می کنند صدای آن ها را روی نواری ضبط کرده اند و یک روز غیر بارانی همان صدا را از بلند گو و نوار پخش می کنند باز میمون ها با عجله به پناهگاه می روند. این ها و صد آزمایش دیگر ثابت می کند که حیوانات درک و شعور دارند. (1)

2- خانه سازی زنبور عسل که آن را به صورت شش گوش می سازد و تنها این نوع شکل است که چون اشکال آن به هم پیوست داده شود، عرصه را پُر کرده و فضای خالی در میان آن به وجود نمی آید.

شگفت دیگرش اینست که آدمی شش گوش را جز با خط کش و پرگار نمی تواند بکشد در حالی که زنبور عسل خانه های خود را بی ابزار می سازد.

و شگفتی های بسیار دیگری در مورد حالات ملکه زنبور ها و سر پرستی زنبوران کارگر وجود دارد که با مطالعه آن می توان به خوبی به آگاهی دقیقی که خداوند به آن ها الهام فرموده است، اذعان نمود و تمدن عجیب آن ها در اداره محیط زندگی و قوانین منظم و شکت آور را مشاهده نمود.

ص: 17

1- ر.ک: ترجمه جلد هفتم بحار 5:219.

3- مورچه برای آماده کردن پس انداز خود تلاش می کند، و جز برای این نیست که بسا در آینده بدان نیاز دارد، و نتواند روزی به دست آورد و باید که در این هنگام آن را فراهم کند.

شگفتی هایی نیز در ذخیره سازی وجود دارد:

اول این که چون ببیند جایگاه دانه ها تر شده، دانه ها را دو نیم کند چون می داند که اگر درست مانند و تر شوند در آینده سبز شده و تباه شوند ولی دو نیم که باشند هرگز سبز نمی شوند.

دوم: چون تر شوند و خورشید بتابد آن ها را از سوراخش در آورده و خشک کند.

سوم: چون مورچه دانه خود را به درون سوراخ برد همواره بیم این را دارد که باران آید و باد وزد و این ها همگی راهنمایی است که این جانور هوش شایانی دارد.

4- عنکبوت خانه های خود را شگفت آور می سازد، زیرا تار خود را نتابد مگر این که بیاندیشد چگونه آن را نهد که بتواند پشه و مگس را شکار کند، و این اندیشه ها کمتر از اندیشه آدمی نیستند.

5- موش موقعی که نیاز به روغن دارد دم خود را میان شیشه روغن کرده و آن را می لیسد، و از این راه به مقصود خود رسیده و سرش نیز میان شیشه نمی رود.

6- چون شتر و الاغ در شب تاریک از راهی برده شوند، برای بار دوم می توانند از آن راه بدون راهنما و آموزش بروند، تا آن جا که چون مردم درباره آن راه دچار اختلاف شوند شتر را جلو انداخته و به دنبالش می روند و راه درست بیابند.

ص: 18

7- لاک پشت پس از خوردن مار، گیاه صعتر کوهی خورده و بر می گردد.

و موارد بسیار دیگری از آگاهی و شعور حیوانات که در کتاب ها نوشته شده و برنامه تلویزیونی اسرار آفرینش نیز گاه گاهی پرده از عظمت آن ها بر می دارد.

آگاهی و شعور حیوانات در قرآن

اشاره

خداوند متعال در قرآن کریم با عبارات و عناوین مختلفی از آگاهی و درک حیوانات سخن می گوید، که دسته بندی آیات آن بدین صورت می باشد: (1)

1- آیاتی که بر تسبیح و حمد تمامی موجودات دلالت دارد:

1/1- (تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا). (2)

(آسمان های هفت گانه و زمین و کسانی که در آن ها هستند. همه تسبیح او می گویند و هر موجودی تسبیح و حمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آن ها را نمی فهمید او بردبار و آمرزنده است).

بنا بر تصریح این آیه همه موجودات علم و شعور و حیات و تسبیح دارند.

ص: 19

1- عظیمی، علی، شعور موجودات در قرآن و حدیث (با تلخیص)

2- اسراء (17): 44.

نکته زیبایی که در این آیه وجود دارد این است که خداوند می فرماید: (شما تسبیح آن ها را نمی فهمید) و نفرموده که تسبیح آن ها قابل فهم نیستند.

یعنی تسبیح آن ها قابلیت درک را دارد ولی گیرنده ما ضعیف است و باید تقویت شود و راه آن مقرب درگاه الهی بودن است که خداوند می فرماید: (يَشْهَدُ الْمُقَرَّبُونَ) (1)

1/2- (وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ) (2)

(و کوه ها و پرندگان را با داوود مسخر ساختیم که (همراه او) تسبیح (خدا) می گفتند: و ما این کار را انجام دادیم).

1/3- (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ). (3)

(آیا ندیدی تمام آنان که در آسمان ها و زمینند برای خدا تسبیح می کنند. و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آن ها نماز و تسبیح خود را می داند؛ و خداوند به آن چه انجام می دهند داناست).

ص: 20

1- المطففين (83): 21.

2- انبياء (21): 79.

3- نور (24): 41.

1/4- (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ). (1)

(و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه ها و پرندگان گفتیم:) ای کوه ها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید و آهن را برای او نرم کردیم).

1/5- (سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ). (2)

(آن چه در آسمان ها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند؛ و او عزیز و حکیم است).

2- آیاتی که بر خشوع، تسلیم و بندگی تمامی موجودات در برابر خدا دلالت دارند

2/1- (وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُتُونَ). (3)

(و (یهود و نصاری و مشرکان) گفتند: خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است! - منزه است او - بلکه آن چه در آسمان ها و زمین است از آن اوست؛ و همه در برابر او خاضعند).

ص: 21

1- سبأ (34): 10.

2- حدید (57): 1 / نیز سوره های حشر (59): 1 و 24 / صف (61): 1 / جمعه (62): 1 / تغابن (64): 1.

3- بقره (2): 116.

2/2- (أَفَعَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ). (1)

(آیا آن ها غیر از آیین خدا می طلبند؟! (آیین او همین اسلام است:) و تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، از اختیار یا از روی اجبار در برابر (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او باز گردانده می شوند).

2/3- (وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظَلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ). (2)

(تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند - از روی اطاعت یا اکراه - و همچنین سایه هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می کنند).

2/4- (أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَ الشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَ هُمْ دَاخِرُونَ). (3)

«آیا آن ها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه هایشان از راست و چپ حرکت دارند و با خضوع برای خدا سجده می کنند؟!».

ص: 22

1- آل عمران (3): 83.

2- رعد (13): 15.

3- نحل (16): 48.

2/5- (إِنْ كُلٌّ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا) (1)

(تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، بنده اویند).

2/6- (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ). (2)

(آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمان ها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندها، و بسیاری از مردم اما بسیاری (ابا دارند. و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است).

3- آیاتی که به نطق و سخن گفتن جانوران دلالت دارند:

یکی از آثار و نشانه های شعور و ادراک که برای همه موجودات - خصوصاً حیوانات - در قرآن و روایات بیان شده نطق و تکلم آن ها می باشد و از آن جا که قرآن کتاب شعر نبوده و با خیال پردازی سخن نمی گوید و همه آیاتش از استحکام و

ص: 23

1- مریم (19): 93 .

2- حج (22): 18 .

نورانیت برخوردار است مسلماً هدفش از انتساب نطق به موجودات حقیقت بوده و قابل تدبّر و تأمل می باشد. (1)

از جمله آیاتی که دلالت بر نطق حیوانات دارند، عبارتند از:

3/1- (حَتَّىٰ إِذَا اتَّوَا عَلَىٰ وَادِ التَّمَلِّ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا التَّمَلُّ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ). (2)

((آن ها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه ای گفت: به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی فهمند!).

3/2- (وَ تَقَدَّ الطَّيْرُ فَقَالَ مَا لِي لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ لَأُعَذِّبَنَّ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسِدِّ لَطَانٍ مُّبِينٍ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبِيلٍ بَنِيَّ يَقِينٍ إِنَِّّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ اللَّهُ لَا

ص: 24

1- ر.ک: عظیمی، علی، شعور موجودات در قرآن و حدیث.

2- نمل (27): 18 .

إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ قَالَ سَتَنْنُظِرُ أَسَدَفْتُمْ أَمْ كُنْتُمْ مِنَ الْكَاذِبِينَ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ).
(1)

(سلیمان) در جستجوی آن پرنده (هدهد) بر آمد و گفت: چرا هدهد را نمی بینم یا این که او از غایبان است!؟

قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد!

چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی: من از سرزمین (سبا) یک خبر قطعی برای تو آورده ام!

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می کند، و همه چیز در اختیار دارد و (به خصوص) تخت عظیمی دارد!

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا - خورشید - سجده می کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آن ها را از راه باز داشته و از این رو هدایت نمی شوند!

چرا برای خداوندی سجده نمی کنند که آن چه را در آسمان ها و اوزمین پنهان است خارج (و آشکار) می سازد و آن چه را پنهان می دارید یا آشکار می کنید می داند!؟

خداوندی که معبودی جز او نیست و پروردگار عرش عظیم است!

(سلیمان) گفت: (ما تحقیق می کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغ گویان هستی؟

این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه ای توقف کن) بین آن ها چه عکس العملی نشان می دهند).

ص: 25

1- هدهد به سلیمان پیغمبر می گوید: من به چیزی دارم که تو از آن آگاه نیستی.

2- می گوید از قوم سبأ برای تو خبر درستی آورده ام. او از کجا می دانست که باید سلطان مبین ارائه کند؟

3- هدهد که در هوا پرواز می کند چگونه فهمید که سلطان آن گروه زن است و تخت بزرگی دارد؟

4- از کجا دانست که ملکه (پادشاه) و قوم او خورشید را پرستش می کنند؟

5- چگونه فهمید که پرستش خورشید کار ناشایستی است و از کجا دریافت که شیطان آن ها را منحرف کرده است؟

6- چگونه حضرت سلیمان به او نامه داد تا به آن پادشاه برسد و هدهد چگونه نامه را به ملکه (پادشاه) رسانید؟

همه این ها بر شعور و درک و آگاهی هدهد دلالت دارند. از همه مهم تر این که حضرت سلیمان در جواب هدهد می فرماید: (قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ) یعنی خواهیم دید آیا راست گفته ای یا از دروغ گویان بوده ای. اگر هدهد دارای شعور نبود، دروغ گفتن و راست گفتن نزد او معنی نداشت؛ پس هدهد شعور دارد و حضرت سلیمان می گوید: درباره گفته هایت باید تحقیق کنم تا ببینم اگر راست گفتی، ترتیب اثر بدهم و اگر دروغ گفتی، تو را عذاب خواهم کرد که هدهد با آوردن دلیلی متین از غیبت خود و با تطقی بلیغ از یافته های اطلاعاتش مهوری

ص: 26

دیگر بر علم و شعور و درک و فهم جانوران و پرندگان می زند.

4- آیاتی که بر مأموریت و فرمان پذیری و اطاعت برخی از موجودات دلالت دارند:

4/1- (فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَا يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ). (1)

(سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین جستجو (و کند و کاو) می کرد؛ تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: (وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! و سر انجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار و جلدان، از کار خود) پشیمان شد).

5- آیاتی که بر حشر و نشر حیوانات دلالت دارند:

5/1- (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ). (2)

ص: 27

1- مائده (5): 31 .

2- انعام (6): 38 .

(هیچ جنبنده ای در زمین، و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر این که امت های همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند).

5/2- (وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ). (1)

(و در آن هنگام که وحوش جمع شوند).

شعور و آگاهی حیوانات در روایات

اشاره

در روایات بسیاری که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است با عبارات و عناوین مختلفی از آگاهی و درک حیوانات سخن گفته شده است که می توان آن ها را نیز بر اساس تقسیم بندی آیات قرآن کریم - که در صفحات پیشین بدان اشاره شد - دسته بندی نمود:

1- روایاتی که دلالت بر تسبیح حیوانات دلالت دارند

1/1- مانند روایت ابو حمزه ثمالی که گوید:

(كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَارِهِ وَفِيهَا شَجَرَةٌ فِيهَا عَصَافِيرٌ وَهَنَّ يَصْحَنَ فَقَالَ لِي: أَتَدْرِي مَا يَقْلَنَ هُوَ لَاءٌ؟

ص: 28

1- تکویر (81): 5 .

قُلْتُ: لا أَدْرِي.

قَالَ: يُسَبِّحَنَّ رَبَّهُنَّ وَيَطْلُبَنَّ رِزْقَهُنَّ). (1)

با امام سجاد علیه السلام در خانه اش بودم که بر روی درخت آن خانه گنجشک ها آواز می کردند.

حضرت به من فرمود: میدانی این گنجشک ها چه می گویند؟ گفتم: نمی دانم.

فرمود: تسبیح پروردگار خود کرده و از او روزی می خواهند.

1/2- روایت سکونی از امام صادق علیه السلام که حضرت به نقل از پدر بزرگوارشان فرمود:

(نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَنْ تُوسَمَ الْبَهَائِمُ فِي وَجْهِهَا وَأَنْ يُضْرَبَ وَجُوهُهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا). (2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از این که در چهره چهارپایان اثر داغ کردن (برای نشانه) گذاشته شود و این که بر چهره آنان (چوب و تازیانه) زده شود زیرا آن ها پروردگار خود را تسبیح می کنند).

1/3 - روایت محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام که حضرت به نقل از کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (3)

ص: 29

1- ترجمة بصائر الدرجات 2:271؛ الاختصاص: 292؛ بحار 263:27 ح 7 و 302:61.

2- تفسير عیاشی 2:294 ح 82؛ بحار 61:228 ح 25.

3- این روایت نیز از جمله حکمت های چهار صد گانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که آن حضرت در یک مجلس آن را برای اصحاب خویش بیان فرمودند. (ر.ک: الخصال 2:618 ذح 10؛ تحف العقول: 107).

(لا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى حَرْوِ جُوهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ). (1)

(بر چهره چهار پایان (چوب و تازیانه) نزنید زیرا آن‌ها پروردگار خود را حمد و تسبیح می‌کنند).

1/4- روایت اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السلام که حضرت فرمود:

(مَا مِنْ طَيْرٍ يُصَادُ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ وَلَا يُصَادُ شَيْءٌ مِنَ الْوُحُوشِ إِلَّا بِتَضْيِيعِهِ التَّسْبِيحِ). (2)

(هیچ پرنده‌ای در خشکی و دریا و هیچ جاندار وحشی شکار نشود جز برای این که از تسبیح خدا غافل شده است).

این روایت علاوه بر اثبات تسبیح حقیقی برای همه حیوانات و پرندگان، نوعی علم و اختیار برای آن‌ها نیز ثابت می‌نماید چرا که تضييع و قطع کردن تسبیح، فرع بر حقیقی و واقعی بودن آن و همچنین آگاهانه و شعورمندانه بودن آن می‌باشد. (3)

1/5- روایت ابو هریره که گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ص: 30

1- المحاسن 2: 633 ح 117؛ الکافی 6: 538 ح 4؛ وسائل الشیعة 11: 482.

2- تفسیر عیاشی 2: 294 ح 83؛ تفسیر قمی 2: 107؛ بحار 61: 24 ح 1؛ نیز ر.ک: الکافی 3: 505 ح 18؛ وسائل الشیعة 9: 28 - 11439.

3- شعور موجودات در قرآن و حدیث: 114.

(إِنَّ النَّمْلَ يُسَبِّحُنَ).

(مورچه ها تسبیح خدا می گویند). (1)

1/6- روایت عبد الله بن عمر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

(لَا تَقْتُلُوا الضَّفَادِعَ فَإِنَّ نَفْسَهَا تَسْبِيحٌ). (2)

(قورباغه را نکشید که بانگش تسبیح است).

2- روایاتی که دلالت بر سجده، خشوع و بندگی حیوانات دارند:

مانند روایت انس که گوید: رسول خدا در حالی که از میان کوچه انصار می گذشت گوسفندی در آن جا بود، پس گوسفند برای پیامبر سجده کرد. ابو بکر گفت: ما برای سجده از این گوسفند شایسته تریم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

(إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ وَلَوْ جَازَ ذَلِكَ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِرُؤُوسِهَا). (3)

ص: 31

1- الدر المنثور 4:183؛ تفسیر المیزان 13:121 .

2- تفسیر ابن کثیر 3:180؛ الدر المنثور 4:183؛ بحار 61:297 .

3- المناقب 1:86؛ بحار 17:408 ح 34؛ مستدرک الوسائل 14:246 ح 16606؛ تفسیر الصراط المستقیم 5:249. (این روایت در کتاب بصائر الدرجات به گونه ای دیگر از امام صادق علیه السلام و در مورد شتر بیان شده است. ر.ک: ترجمة بصائر الدرجات 2:308 ح 1262)

(به راستی که شایسته نیست کسی برای کس دیگر سجده کند و اگر این کار (سجده کردن برای غیر خدا) جایز می بود حتماً به زن فرمان می دادم که برای همسرش سجده کند).

بنابر آن چه در روایات معصومین علیهم السلام نقل شده است می توان این گونه بیان کرد که در موارد بسیار مراد از سجده حیوانات، همان خضوع و خشوع آن ها می باشد.

3- روایاتی که دلالت بر نطق و سخن گفتن حیوانات دارند:

3/1- روایت جابر بن عبد الله انصاری که گوید:

روزی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشستیم بودیم، ناگهان شتری آمد و بر زمین نشست و نعره ای کشید و اشک هایش بر چشمانش ریخته شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود این شتر برای کیست؟

کسی گفت: برای فلان مرد انصاری.

فرمود: او را پیش من آرید، او را آوردند.

به او فرمود: این شتر تو شکایتت را می کند.

گفت: ای رسول خدا! چه می گوید؟

فرمود: گمان می کند که تو به او زیاد سختی می دهی (از او زیاد کار می کشی) و گرسنه اش می گذاری.

گفت: درست است ای رسول خدا! ما غیر او (شتر) آبکش دیگری نداریم و من مردی عیالمندم.

ص: 32

پیامبر فرمود: او به تو می گوید از من کار کش ولیکن سیرم نما.

مرد گفت: ای رسول خدا! دیگر بر او آسان گرفته و سیرش می نمایم.

راوی گوید: پس شتر بلند شده و رفت. (1)

3/2- روایت محمد بن مسلم که گوید: خدمت امام باقر علیه السلام بودم ناگهان دو کبوتر فرود آمدند و به زبان خود شروع کردند به صدا دادن و حضرت باقر علیه السلام جواب آن ها را داد بعد حرکت کردند بالای دیوار رفتند، در آن جا کبوتر نر ساعتی با ماده به صحبت پرداخت آن گاه پرواز کردند.

من عرض کردم: فدایت شوم، جریان کبوتر ها چه بود؟

فرمود: هر چه خدا آفریده از پرنده و چرنده آن چه دارای روح است نسبت به ما مطیع ترند از فرزندان آدم. این کبوتر نر نسبت به ماده خود بد گمان شده بود هر چه او قسم می خورد که کاری نکرده او قبول نمی کرد تا گفت راضی هستی محمد بن علی در میان ما حکومت کند قبول کرد. من به او گفتم که تو ستم در باره کبوتر ماده روا داشته ای او راست می گوید تا قبول کرد. (2)

3/3- روایت سلیمان بن داود جعفری که گوید: در خدمت امام رضا علیه السلام در باغ آن حضرت بودم در این موقع گنجشکی آمد

ص: 33

1- ترجمة بصائر الدرّجات 2: 293 ح 1253؛ الاختصاص: 295؛ القصص للراوندي: 288؛ بحار 17: 400 ح 14.

2- ترجمة بصائر الدرّجات 2: 274 ح 1229؛ بحار 46: 238 ح 17.

و جلو آن حضرت نشست و پشت سر هم شروع به صدا دادن کرد و حالت اضطراب از او آشکارا دیده می شد.

حضرت فرمود: فلانی! میدانی این گنجشک چه می گوید؟

عرض کردم: خدا و پیامبر و فرزند پیامبر می داند.

فرمود: می گوید ماری در خانه می خواهد جوجه های مرا بخورد از جا حرکت کن این چوب را بردار و داخل خانه شو و آن مار را بکش.

راوی گوید: چوب را برداشتم و وارد خانه شدم دیدم ماری در خانه راه می رود و او را کشتم. (1)

و روایات بسیار دیگری که حاکی از سخن گفتن حیوانات می باشد و به اختصار سه مورد از آن را ذکر نمودیم. (2)

4- روایاتی که دلالت بر حشر حیوانات در روز قیامت دارند:

4/1- روایت ابوذر غفاری که گوید: ما خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که ناگهان دو بز به همدیگر حمله کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

(أَتَدْرُونَ فِيمَ انْتَطَحْتَا؟)

(آیا می دانید آن ها چرا به هم دیگر حمله کردند؟).

اصحاب گفتند: نه.

فرمود:

ص: 34

1- ترجمة بصائر الدرجات 2: 281 ح 1243؛ دلائل الامامة: 172؛ المناقب 4: 334؛ الخرائج و الجرائح 1: 356 كشف الغمة 2: 305؛ بحار 88: 49 ح 8.

2- برای مطالعه بیشتر ر.ک: ترجمة بصائر الدرجات 2: 270-316.

(لَكِنَّ اللَّهَ يَدْرِي وَ سَيَقْضِي بَيْنَهُمَا). (1)

ولیکن خدا می داند و به زودی بین آن دو (در روز قیامت) داوری و قضاوت خواهد کرد).

4/2- و روایت ابن قانع که گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

(مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا عَجَّ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَقُولُ: يَا رَبِّ! عَبْدُكَ قَتَلَنِي عَبَثًا وَلَمْ يَقْتُلْنِي لِمَنْفَعَةٍ). (2)

(هر کس گنجشکی را بیهوده بکشد روز قیامت به درگاه خدا فریاد زند و می گوید: پروردگار! بنده ات مرا بیهوده کشت و مرا برای منفعت نکشت).

4/3- روایت امام صادق علیه السلام که در مورد حیوانات بهشتی می فرماید:

(لَا يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْبَهَائِمِ سِوَى حِمَارَةٍ بَلْعَمِ بْنِ بَاعُورٍ وَ نَاقَةٍ صَالِحٍ وَ ذَنْبِ يُوسُفَ وَ كَلْبِ أَهْلِ الْكَهْفِ).

(حیوان ها داخل بهشت نمی شوند مگر: الاغ بلعم بن باعور. ناقة حضرت صالح علیه السلام گرگ حضرت یوسف علیه السلام (که

ص: 35

1- تفسیر مجمع البیان 4: 462؛ تفسیر ابن کثیر 3: 227؛ بحار 61: 6؛ تفسیر نور الثقلین 1: 715 ح 69؛ مستدرک الوسائل 18: 262 ح 22700.

2- دعائم الاسلام 2: 175 ح 629؛ الخلاف 5: 519؛ بحار 61: 270 ح 34؛ میزان الحکمة 1: 713؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: کتاب الأم شافعی 4: 258.

برادرانش آن را به خوردن یوسف متهم کردند) و سگ اصحاب کهف).

و روایت حسین بن خالد که گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

ص: 36

(أَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ الْبَهَائِمِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: حِمَارَةٌ بُلْعَمٌ، وَكَلْبٌ أَصْحَابِ الْكَهْفِ وَالدُّبُّ، وَكَانَ سَبَبَ الدُّبِّ أَنَّهُ بَعَثَ مَلِكٌ ظَالِمٌ رَجُلًا شَرِيفًا لِيَحْسُدَ رِقَوْمًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيُعَذِّبَهُمْ، وَكَانَ لِلشُّرْطِيِّ ابْنٍ يُحِبُّهُ، فَجَاءَ ذَنْبٌ فَأَكَلَ إِنَّهُ فَحَزَنَ الشُّرْطِيُّ عَلَيْهِ، فَأَدْخَلَ اللَّهُ ذَلِكَ الدُّبَّ الْجَنَّةَ لِمَا أَحْزَنَ الشُّرْطِيُّ).

(هیچ یک از حیوانات داخل بهشت نمی شوند مگر سه حیوان. 1- الاغ بلعم بن باعور 2- سگ اصحاب کهف 3- گرگ. سبب دخول این گرگ در بهشت این است که پادشاه ظالم و ستمکاری پاسبان خود را مأمور کرد تا گروهی از مؤمنین را جلب کند و پادشاه آنان را عذاب و عقاب نماید. آن پاسبان دارای پسری بود که خیلی مورد علاقه و محبت پدرش بود گرگی (که حضرت رضا علیه السلام فرمود) آمد و پسر آن پاسبان را خورد و آن پاسبان از داغ پسرش فوق العاده محزون و مغموم گردید! خداوند آن گرگ را بدین جهت که آن پاسبان را عزا دار و محزون کرد داخل بهشت نمود).

روایتی دیگر از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: (هر ناقه ای که سه مرتبه (و به قولی هفت مرتبه) انسان را به حج ببرد داخل بهشت خواهد شد) (1).

ص: 37

1- به نقل از: تفسیر آسان 158:18 .

1- آثار تربیتی

اشاره

اعتقاد به شعور موجودات، آثار تربیتی بسیاری را می تواند در داشته باشد. همچنان که هم نشینی با یک انسان سر زنده و پویا با هم نشینی با یک شخص مُرده و بی جانی مانند مجسمه فرق دارد؛ مسلماً زندگی کردن با حقیقت و واقعیت زنده و شعور اشیاء هم با زندگی کردن با ظاهر بی جان و بی شعور آن ها تفاوت شدیدی دارد.

آثار تربیتی، تذکری که در سایه اعتقاد به شعور موجودات به دست می آید به مراتب شدید تر و مفید تر از خواندن یک یا چند کتاب اخلاقی و یا شنیدن چند سخنرانی و موعظه تربیتی و تنبیهی می باشد به همین دلیل است که قرآن کریم در حدود پنجاه آیه، از تسبیح و تقدیس سجده و خشوع جانمندی و علم و شعور همه موجودات نسبت به دعا و تسبیحاتشان خبر می دهد و بدون استثناء در همه آن ها به دنبال تذکر و تنبیه و تربیت و پرورش انسان ها می باشد.

1/1- تواضع و فروتنی

یکی از آثار تربیتی اعتقاد به شعور موجودات، تواضع و فروتنی انسان در برابر خالق خویش می باشد خضوع ذلت و شعورمندانه حاکم بر ذرات و اشیاء عالم هستی انسان را وادار به تفکر و تأمل در نقص و فقر ذاتی خود و کمال مطلق خالق و صانع خویش می نماید.

وقتی آدمی متوجه باشد که تمام موجودات به دلیل تسلیم و سرسپردگی و تذلل در برابر فرمان الهی بوده و آن‌ها با اجازه حضرت حق فعالیت می‌نمایند، قهراً متذکر و متنبه این امر مهم خواهد شد که چرا نفس آدمی در برابر دستورات و فرامین خداوند قادر متواضع و فرمان بردار نباشد؟ چرا باید نفس آدمی در هماهنگی و هماوایی با این تسبیح و سجده اطرافش نباشد؟

1/2- ادب و حیا

یکی دیگر از آثار تربیتی اعتقاد به شعور موجودات، ادب و حیا می‌باشد. وقتی انسان خود را در جهانی پر از غلغله تسبیح و پر از شور و شعور می‌بیند، هرگز غفلت را به خود راه نداده و با همه تسبیح‌گویان عالم هم آوا می‌شود و حیا می‌کند که دیگران همه در جوش و خروش و نغمه و سروش باشند و او هم ساکت و خاموش این ادب و حیا و شرمساری زمینه را برای رشد و تعالی اخلاقی در انسان فراهم کرده و باعث می‌شود که بیش و نگاه و رفتار و اعمال آدمی در پیش همه اشیاء مؤدبانه و کریمانه باشد و از این که مرتکب معصیت و عمل نا پسندی شود، حیا نماید.

1/3- خلوص و یکتا پرستی

همه آیات و روایاتی که به نحوی به آثار و شاخصه های شعور و ادراک موجودات اشاره دارند از تسبیح، تحمید، سجده

و قنوت آن ها خبر می دهند، جملگی بر تقدیس و تنزیه خدای سبحان و وحدت و یگانگی آن ذات بی همتا دلالت دارند.

و این اعتقاد می تواند تلنگری بزرگ بر نفس آدمی باشد که به خود آید و درون خود را از شرک و ریا پاک سازد و بندگی و عبودیتش را نسبت به آن خالق بی همتا خالص نماید. طنطاوی در ذیل آیه 44 سوره مبارکه اسراء در این باره می گوید:

(تدبر در این آیه کریمه در نفوس انسان ها خشیت و ترس از خالق عز و جل را بر می انگیزاند؛ چرا که این آیه با صراحت تمام بر تسبیح و حمد باری تعالی بوسیله هر جماد و حیوان و هر پرنده و حشره ای بلکه بوسیله هر موجودی در این عالم هستی تصریح دارد و این تصریح هر انسان غافلی را به اطاعت الهی و بندگی خالصانه او و مداومت بر نام و یاد حضرتش وادار می نماید). (1)

آری اگر انسان نفس خود را از تعلقات و مادیات رها سازد آینه صدای سبوح قدوس از نفس خود به گوش آید که در هماهنگی و هم آوایی با همه اشیا هستی این نغمه شور انگیز را می سراید.

ص: 40

1- ر.ک: طنطاوی، سید محمد، تفسیر الوسیط للقرآن الکریم 360-8.

یکی از آثار و کارکرد های عمده اعتقاد به شعور موجودات، آثار حقوقی است. احترام به حقوق موجودات غیر انسانی مانند حیوانات، نباتات، کوه ها و جنگل ها از دیر باز مورد توجه دوستداران طبیعت و محیط زیست بوده و با به راه افتادن چرخ های صنعت و تکنولوژی در دو قرن اخیر اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده است.

تشکیل نهاد ها، مجامع و کنفرانس های بین المللی دفاع از حقوق حیوانات و محیط زیست و خرج میلیارد ها دلار پول و امکانات برای جلوگیری از آلودگی آن، نشان از توجه انسان ها به وجود ارتباط تنگاتنگ میان تمامی موجودات حاضر در عالم خاکی می باشد.

قوانین وضع شده از سوی انسان ها برای احترام به حقوق حیوانات و محیط زیست با همه مزایا و معایبش، نه به خاطر احترام و اعتقاد به شعور آن ها، بلکه گاهی از سر خود خواهی و زیاده خواهی و برای جلوگیری از نابودی و به خطر افتادن زندگی و معیشت خودشان می باشد و متأسفانه برخی انسان ها و ارگان ها هر جا که منافعشان اقتضا کند از نابودی حیوانات و تخریب و آلوده کردن محیط زیست هیچ گونه ابایی ندارند و با زیر پا گذاشتن قوانینی که گاهی خودشان آن ها را نوشته و تصویب کرده اند همه موجودات کره زمین را به زحمت و خطر می اندازند.

این در حالی است که فرهنگ مترقی و متعالی قرآن و اهل بیت علیه السلام احترام به حقوق حیوانات و نباتات و جمادات به خاطر

تسبیح گویی و ثناگویی حق و شعورمندی آن‌ها می‌باشد و هیچ قانون و ضابطه‌ای و هیچ کنفرانس و سمیناری و دست‌نوشته‌ای به اندازه اعتقاد به شعور موجودات، تضمین‌کننده سلامت حیات بشری و غیر بشری نبوده و موجب استیفای حقوق موجودات غیر انسانی نمی‌باشد.

حقوق حیوانات

نقشی که حیوانات در زندگی انسان‌ها دارند بر کسی پوشیده نیست. این موجودات با تنوع و تکثر فراوانی که دارند، در تغذیه و پیشرفت مادی انسان‌ها سهم بسزایی داشته و هرگز از انجام وظیفه و تکلیف تکوینی خود غفلت نمی‌ورزند.

این موجودات در مقابل خدمات و سوددهی‌های فراوان نسبت به انسان و سایر اجزای طبیعت حقوق زیادی بر گردن انسان‌ها دارند، اما آن‌چه در اغلب روایات درباره حقوق حیوانات به چشم می‌خورد تنها به علت سودمندی آن‌ها نبوده و تسبیح‌گویی و ثناگویی شعور مندانه آن‌ها نیز نقش اساسی در بیان این حقوق دارند.

داغ‌نگذاشتن بر صورت حیوانات، عرضه آب و غذا بر آن‌ها، فوق‌طاقشان بار نکردن نهی از نشستن طولانی مدت بر روی چهارپایان ذبح نکردن حیوان در پیش بچه‌اش، بریدن سر حیوان با وسیله‌ای تیز برای اذیت نشدن آن و ده‌ها روایت دیگر که سبب وضع این حقوق را غالباً تسبیح‌گویی آن‌ها ذکر نموده‌اند،

و این حقوق تنها در سایه اعتقاد به شعورمندی و جانمندی آن‌ها قابل ادا می‌باشد. (1)

احترام به حقوق حیوانات و آزار و اذیت نکردن آن‌ها، اندازه‌ای مهم است که شارع مقدس نسبت به عذاب‌های دنیوی و اخروی آن هشدار داده و از قتل، آزار و اذیت کردن بی‌جا و بی‌مورد آن‌ها پرهیز داده است.

ص: 43

1- روایات این باب را می‌توانید در کتاب ارزشمند (بحار الأنوار) باب (حق الدابة علی صاحبها و آداب رکوبها و حملها)، ج 61، ص 201 به بعد ببینید. نمونه‌ای از آن روایات، روایت امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوار خویش است که نقل می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتُّ خِصَالٍ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ يَعْضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَ لَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَ لَا يَقِفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَ لَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ). (حیوان بر گردن صاحب خود شش حق دارد: وقتی پیاده شد به او علف بدهد و وقتی از کنار آب رد می‌شود آب را به او عرضه کند و بر صورت او نزند زیرا که او پروردگارش را حمد و تسبیح می‌گوید و بر پشت او (به هنگامی که راه نمی‌رود) نماند مگر در راه خدا و بالا تر از توان او چیزی را بر او تحمیل نکند و بیشتر از توان او، او را وادار به راه رفتن نکند).

اشاره

آیات بسیاری در قرآن کریم همواره انسان را متوجه نعمت وجود حیوانات نموده و منفعت ها و آثار بی شماری را برای آن ها بر شمرده است که به اختصار چنین می باشد:

1- برای باربری:

آیات: انعام (6): 142 / نحل (16): 7 / مؤمنون (23): 21-22 / یس (36): 42 و 72 / غافر (40): 79 .

(وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا). (انعام: 6)

((او کسی است که) از چهار پایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید).

(وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ). (مؤمنون: 22)

(و بر آن ها و بر کشتی ها سوار می شوید).

2- استفاده پوشش از پشم (برای فرش، لباس، خیمه و...) و پوست آن ها (برای خانه های ستار و...)

آیات: نحل (16): 5 و 80 .

(و الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ). (نحل: 5)

(و چهار پایان را آفرید؛ در حالی که در آن ها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آن ها می خورید).

3- استفاده از گوشت آن ها

آیات نحل (16): 5 / حج (22): 28 / غافر (40): 79 .

(لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ). (حج: 28)

(تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیات بخش) باشند؛ و در ایام معینی نام خدا را بر چهار پایانی که به آنان داده است، (به هنگام قربانی کردن) ببرند؛ پس از گوشت آن ها بخورید؛ و بی نوای فقیر را نیز اطعام نمایید).

4- برای زیبایی شکوه و زینت:

آیات: نحل: (16): 6 و 8 / غافر (40): 80 .

(وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ). (نحل: 8)

(همچنین اسب ها و استر ها و الاغ ها را آفرید؛ تا بر آن ها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیز هایی می آفریند که نمی دانید).

5- استفاده از شیر:

آیات: مؤمنون (23): 21 / ايس (36): 73 .

(وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ). (يس: 73)

(و برای آنان بهره های دیگری در آن (حيوانات) است و نوشیدنی هایی گوارا؛ آیا با این حال شکر گزاری نمی کنند؟!).

6- لذت نگاه کردن از زیبایی آن ها در تفاوت رنگ ها و گونه هاشان

آیه: فاطر (35): 28 .

(وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ) (فاطر: 28)

(و از انسان ها و جنبندها و چهارپایان انواعی با رنگ های مختلف، (آری) حقیقت چنین است).

7- فضولات آن ها جهت کشاورزی

منافع کثیره در آیات (ر.ک: تفسیر نمونه 14: 222).

8- ایجاد اشتغال زایی برای انسان ها به راه افتادن کارخانجات لبنیات، چرم سازی، کنسرو سازی، ریسندگی و بافندگی

منافع کثیره در آیات (ر.ک: تفسیر نور 8: 91).

9- جهت مسابقه، تفریح کسب ابهت

آیه: غافر: (40): 80 (نیز ر.ک: تفسیر نمونه 20: 189).

(وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ) (غافر: 80)

(و برای شما در آن ها منافع بسیاری جز این ها است تا بوسیله آن ها به مقصدی که در دل دارید برسید؛ و بر آن ها و بر کشتی ها سوار می شوید).

ص: 46

آیه: غاشیه (88): 17. (با توجه به این که (نظر) در قرآن به معنای تأمل و دیدن با دقت و تفکر می باشد.) (1)

(أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ).

(آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟!)

اگر چه آیه در مورد خصوص شتر بیان شده است، ولی مصادیق دیگری را نیز می تواند شامل شود.

فخر رازی از علمای اهل سنت در قرن ششم، ذیل این آیه، در کتاب تفسیری خود گوید: (2)

شتر را ویژگی هایی چنین است:

1- برای نیاز های چند آن را نگهدارند: یک بار برای خوردن گوشتش و یک بار برای نوشیدن شیرش و یک بار برای سفر کردن با آن و یک بار برای بار کشی از شهری به شهری و یک بار برای زیور و همه این سود ها در هیچ جاندار نباشند.

2- در هر کدام از این سود ها از جانداران دیگر چون بیشتر از آن ها شیر می دهد و گوشت خوردنی بیشتر دارد و راه بیشتر و تند تر می رود چون به راه رفتن نیرومند و بردبار است و به تشنگی شکبیا است و خوراکی ای خورد که

ص: 47

1- مفاتیح الغیب 144:31. نیز ر.ک: بحار 108:61.

2- ر.ک: زکی زاده رنانی، علیرضا یک صد موضوع از قرآن کریم: 123.

جانداران دیگر را بس نباشد و بار های سنگین برد که جاندار دیگر نتواند.

3- در دل عرب از همه جانوران بیشتر جا گرفته بود از این آن را دیه کشتن ساخته بودند و پادشاهان آن ها چون می خواستند جائزه کلانی به شاعر دور مکانی بدهند صد شتر به او می دادند که چشم گیر تر بود از این رو خداوند فرمود: (زیور شما در آنست - نحل: 4).

4- من (رازی) با گروهی به راهی می رفتیم و راه را گم کردیم و شتری را پیش داشتند و او از تپه ای به تپه ای و از سوئی به سوئی می رفت و همه دنبالش بودند تا پس از زمانی دراز به راه رسید و نیروی خیال این جانور تا آن جا است که با گذر یک بار همه این تپه ها را و پیچ ها را در حفظ خود دارد، و در آن چه گروهی از خردمندان در آن ماندند که راه جویند، شتر راه را جست.

5- با این که بسیار نیرومند است از همه جانوران فرمانبر تر است و دنبال کودکی می رود و بر خلاف چهار پایان دیگر او را خوابیده بار نهند و بر خیزد و این اوصاف ویژه بسیار او است که خردمند را باید در آفرینش و ترکیبش بیندیشد و آن را رهنمای بودن آفریننده حکمت مدار شناسد.

جدای از منافی که برای حیوانات بر شمردیم، وجود رحمتی از جانب خداوند برای انسان ها می باشد و مانع نزول عذاب الهی می باشند.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین می خوانیم:

ص: 48

(خَمْسٌ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهُمْ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْهُمْ لَمْ تَظْهَرِ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطَّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا إِلَّا- ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسَدٍ لَافِيهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا وَلَمْ يَنْقُضُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَشِدَّةِ الْمُنُونَةِ وَجَوْرِ السُّلْطَانِ وَلَمْ يَمْنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مُنِعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَلَوْ لَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمْطَرُوا وَلَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَلَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ؛) (1)

پنج چیز است که اگر با آن ها رو برو شدید، از آن ها به خدا پناه ببرید:

1- اعمال زشت و آشکار در هیچ قومی ظاهر نمی شود، مگر این که گرفتار طاعون و بیماری هایی می شوند که در میان پیشینیان آن ها نبوده است.

2- و هیچ قومی کم فروشی نمی کنند مگر این که گرفتار قحطی و سختی زندگی و ظلم حاکمان می شوند.

3- و هیچ قومی منع زکات نکردند مگر این که از باران رحمت الهی محروم شدند و اگر به خاطر حیوانات نبود، بارانی به آن ها نازل نمی شد.

ص: 49

1- ر.ک: الکافی 2:373 ح 1؛ ثواب الأعمال: 252؛ مشکاة الأنوار: 149؛ الدعوات: 80 ح 197؛ وسائل الشیعة 16: 272 ح 21549؛ بحار 367:70 ح 2.

4- و هیچ جمعیتی پیمان خدا و رسولش را نشکستند جز این که خداوند دشمنانشان را بر ایشان چیره کند و برخی اموالشان را بگیرد.

5- و بغیر آن چه خدای عز و جل نازل کرده حکم نکنند جز این که خداوند کشمکش و ستیزه میان آن ها قرار دهد.

سخن آخر

قرآن کریم مقام انسان هایی را که در برابر حق، چشم بینا و گوش شنوا ندارند و از هوای نفس پیروی کرده و زیر بار حق نمی روند، از حیوانات پست تر می داند؛

(أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ).

(آن ها همچون چهار پایانند؛ بلکه گمراه تر) /اعراف (7):179/.

(إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا).

(آنان فقط همچون چهار پایانند، بلکه گمراه ترند). /فرقان (25):44/.

آری، در روز عاشورا سپاهیان دشمن بد تر از حیوان بودند. آیا باید بگوئیم در روز عاشورا چه نکردند؟ نه، باید سخن را تغییر داد و این جمله را گفت که آن ها در روز عاشورا چه نکردند؟

آن ها در روز عاشورا چه جنایاتی انجام دادند که در زیارات عاشورا، بزرگ ترین مصیبت در آسمان و زمین تا روز قیامت مصیبت ابا عبد الله الحسین علیه السلام است.

ص: 50

بخش 2: شعور حیوانات در عزای امام حسین (علیه السلام)

اشاره

در دو فصل:

- فصل اول: قبل از شهادت امام حسین (علیه السلام)

- فصل دوم: بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام)

ص: 51

فصل اول: نوحه گری حیوانات قبل از شهادت امام حسین علیه السلام

اشاره

ص: 53

حضرت ابراهیم علیه السلام وقت عبورش از کربلا

روایت شده است: حضرت ابراهیم علیه السلام در حالی که سوار بر اسب بود از کربلا عبور می کرد اسب پایش به زمین گرفته و حضرت ابراهیم علیه السلام را به نحوی زمین زد که سر مبارکش شکست و خون از آن جاری شد.

آن حضرت شروع کرد به استغفار و گفت: پروردگارا! چه گناهی از من سر زده است؟

جبرئیل نازل شد و گفت: گناهی از تو نزده، ولی چون سبط خاتم الانبیاء و پسر خاتم الاوصیاء در این جا شهید خواهد شد، لذا خون تو جاری شد تا با خون مقدس وی موافقت کرده باشد.

حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: ای جبرئیل قاتل حسین علیه السلام کیست؟

فرمود:

(لَعِينُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، وَالْقَلَمُ جَرِي عَلَى اللَّوْحِ بَلْغَنِهِ بِغَيْرِ إِذْنِ رَبِّهِ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى الْقَلَمِ أَنَّكَ اسْتَحَقَقْتَ الثَّنَاءَ بِهَذَا اللَّعْنِ).

همان شخصی است که اهل آسمان ها و زمین او را لعنت کرده اند و قلم بدون اجازه پروردگار بر لعن وی جریان یافت آن گاه خدا به قلم وحی کرد: تو

ص: 55

برای این لعنی که بر قاتل امام حسین علیه السلام کردی سزاوار ثناء و درود می باشی.

پس از این جریان ابراهیم علیه السلام دست های خود را بلند نمود و یزید را فراوان لعن کرد و اسب آن حضرت با زبان فصیح آمین گفت.

حضرت ابراهیم به اسب خود فرمود مگر تو چه فهمیدی که برای دعای من آمین گفتی؟

گفت: ابراهیم! من افتخار می کنم که تو بر من سوار شده ای، اما وقتی از پشت من سقوط کردی من بسیار خجل شدم و باعث این خجالت من یزید - لعنة الله عليه - شد. (1)

آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتری در کتاب (الخصائص الحسينية) بعد از نقل این روایت گوید:

(شاید محل سقوط ابراهیم علیه السلام همان محل سقوط حسین علیه السلام بود اما بین فرق میان دو سقوط چه قدر است).

آیت الله حاج سید محمد حسین شهرستانی نیز در ترجمه کتاب (الخصائص الحسينية) بعد از کلام حاج شیخ جعفر شوشتری رحمة الله علیه می گوید:

ابراهیم علیه السلام با بدن صحیح و سالم بر زمین افتاد و سرش زخم شد و بر خواست و دوباره سوار شد و

ص: 56

1- ر.ک: بحار 243:44 ح 39؛ بحرانی، شیخ عبد الله، العوالم - الإمام الحسين عليه السلام: 102 ح 3؛ شوشتری، شیخ جعفر، الخصائص الحسينية: 219؛ آل شیب، سید تحسین مرقد الإمام الحسين عليه السلام 54.

به سوی مقصد خود رفت، امام حسین علیه السلام با لب تشنه و شکم گرسنه و بدن مجروح و پاره پاره در میان دشمنان بر زمین افتاد، و در آن حال دشمنان بر او احاطه نمودند هر یک به زخم سنان و شمشیر و تیر او را اذیت نمودند عاقبت به زحمت تمام شهیدش کردند و سرش را بر نیزه نموده به شهرها بردند و بدنش را در میان خاک و خون بی غسل و و کفن گذاشتند.

بررسی روایت:

تنها مصدر اصلی که این روایت در آن نقل شده است، کتاب (بحار الأنوار) می باشد و علامه مجلسی رحمه الله علیه نیز آن را بدون ذکر سند و تنها با عبارت (رُوی) نقل نموده است؛ لذا از این طریق و با توجه به بررسی و نقد ملاک های حدیثی، این روایت از اعتبار چندانی بر خوردار نمی باشد و بدان نمی توان اعتماد کرد.

ممکن است گفته شود که چگونه می شود پیامبری مانند حضرت ابراهیم علیه السلام از واقعه ای آگاهی نداشته است ولی اسب او از یزید و یزیدیان آگاهی داشته باشد؟!

در پاسخ گوئیم: در این روایت هیچ اشاره ای نشده که اسب آگاهی از وقوع امری در آینده دارد بلکه همین قدر در آن اشاره شده که بعد از آگاهی یافتن حضرت ابراهیم علیه السلام و نفرین آن حضرت بر یزیدیان اسب نیز از وجود چنین شخصی آگاهی یافت.

ص: 57

حضرت اسماعیل علیه السلام و پیش گویی گوسفندان

روایت شده است: حضرت اسماعیل علیه السلام گوسفندان خود را بر شریعه فرات می چرانید. چوپان آن حضرت به او خبر داد: چند روز است گوسفندان از این شریعه آب نمی آشامند!

حضرت اسماعیل علیه السلام دعا کرد و از خداوند سبب آن را سؤال نمود.

جبرئیل نازل گردید و گفت:

(یا إِسْمَاعِيلُ! سَلْ غَنَمَكَ فَإِنَّهَا تُجِيبُكَ عَنْ سَبَبِ ذَلِكَ).

(یا اسماعیل! این موضوع را از گوسفندان جویا شو! زیرا که علت این مطلب را برای تو خواهند گفت).

وقتی آن بزرگوار به گوسفندان فرمود: چرا از این آب نمی آشامید؟!

به زبان فصیح گفتند:

(قَدْ بَلَّغْنَا أَنَّ وَلَدَكَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبَطَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُقْتَلُ هُنَا عَطِشَانًا، فَحَنُّ لَا نَشْرَبُ مِنْ هَذِهِ الْمُسْرَعَةِ حَزَنًا عَلَيْهِ).

به ما این طور رسیده: فرزند تو که سبط حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است در این جا با لب تشنه کشته خواهد شد، لذا ما علت به غم و اندوهی که برای آن بزرگوار داریم از این شریعه آب نمی آشامیم).

حضرت اسماعیل علیه السلام راجع به قاتل امام حسین علیه السلام جو یا شد.

گوسفندان گفتند: همان کسی است که اهل آسمان ها و زمین و عموم خلایق او را لعنت خواهند کرد.

حضرت اسماعیل علیه السلام هم گفت: پروردگارا! قاتل امام حسین علیه السلام را لعنت کن. (1)

بررسی روایت:

تنها مصدر اصلی این روایت کتاب (بحار الأنوار) می باشد که علامه مجلسی رحمه الله علیه آن را نیز بدون ذکر سند و تنها با عبارت (رُوی) نقل نموده است؛ لذا این روایت نیز از اعتبار چندانی بر خوردار نمی باشد علاوه بر این که اشکال روایت قبلی در این روایت جاری است که چگونه گوسفندان از وقوع امری آن هم در آینده خبر می دهند ولی پیامبر آن زمان از چنین واقعه ای آگاهی ندارد.

مگر این که بگوئیم خداوند چنین مقدر فرموده که حضرت اسماعیل علیه السلام وقوع چنین امری را از زبان گوسفندان و آن هم در کنار شریعه فوات بشنود، که این مطلب چندان هم بعید نیست ولیکن یک احتمال است. والله العالم.

ص: 59

1- ر.ک: بحار 44:243 ح 40؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام: 102 ح 4؛ الخصائص الحسينية : 220؛ مرقد الإمام الحسين عليه السلام 54.

روایت شده: حضرت عیسیٰ علیه السلام با حواریون در بیابان ها گردش می کردند یک روز که عبور آنان به سرزمین کربلا افتاد با شیری درنده مواجه شدند که راه را گرفته بود.

حضرت عیسیٰ علیه السلام نزد آن شیر آمد و گفت: برای چه بر سر این راه نشسته ای و نمی گذاری ما عبور کنیم؟

آن شیر با زبان فصیح گفت: من نمی گذارم شما عبور کنید تا این که یزید را که قاتل حسین علیه السلام است لعنت نمائید!

حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: حسین علیه السلام کیست؟

شیر گفت: سبط محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که نبی امی می باشد و پسر علی علیه السلام که ولی آن حضرت است.

عیسیٰ علیه السلام گفت: قاتل حسین علیه السلام کیست؟ گفت:

(قَاتِلُهُ لَعِينُ الْوَحُوشِ وَ الذُّبَابِ وَ السَّبَاعِ أَجْمَعِ خُصُوصاً أَيَّامَ عَاشُورَاءِ).

(قاتل وی همان کسی است که وحوش و مگس (حشرات) و درندگان او را مخصوصاً روز عاشورا لعنت می کنند).

حضرت عیسیٰ علیه السلام دست های خود را بلند کرد و در حق یزید لعنت و نفرین نمود و حواریون هم آمین گفتند. آن گاه آن شیر از سر راه ایشان دور شد و به دنبال کار خود رفتند. (1)

ص: 60

1- ر.ک: بحار 244:44 ح 43؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام: 103 ح 7؛ الخصائص الحسينية: 223؛ مرقد الإمام الحسين عليه السلام: 56.

همان نقدی که بر روایت پیشین بیان شد، بر این روایت نیز جریان دارد لذا به این روایت نیز نمی توان اعتماد نمود.

حضرت عیسی علیه السلام و مرثیه خوانی آهوان

شیخ صدوق رحمة الله علیه به اسناد خود چنین نقل کرده:

ابن عباس گوید: در آن سفری که حضرت امیر متوجه صفین شد من با آن بزرگوار بودم. وقتی حضرت امیر به نینوا که نزدیک شط فرات است رسید با بلند ترین صدا به من فرمود: آیا می دانی این جا چه جایی است؟

گفتم: نه یا امیر المؤمنین.

فرمود: اگر تو نیز مانند من از این مکان آگاه می بودی از این جا عبور نمی کردی تا مثل من گریه کنی! آن گاه آن بزرگوار به قدری گریه کرد که محاسن مبارکش خیس شد و اشک هایش به سینه مقدسش فرو ریخت! ما نیز با آن حضرت شروع به گریه نمودیم.

آن بزرگوار می فرمود:

(أُوهُ أُوهُ مَا لِي وَ لَأَلِ أَبِي سُفْيَانَ، مَا لِي وَ لَأَلِ حَرْبِ حَرْبِ الشَّيْطَانِ، وَ أَوْلِيَاءِ الْكُفْرِ، صَبْرًا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ لَقِيَ أَبُوكَ مِثْلَ الَّذِي تَلَقَى مِنْهُمْ).

(آه آه! مرا با آل ابو سفیان چه کار! مرا با آل حرب که حزب شیطان است و دوستداران کفر چه کار! ای ابا عبد الله! صابر باش، زیرا پدر تو نیز مثل آن چه تو از ایشان خواهی دید دیده است).

سپس آن حضرت آب خواست و برای نماز وضو گرفت و آن چه را که خدا خواست نماز خواند و نظیر مرتبه اول شروع به سخنرانی نمود و بعد از نماز ساعتی خواب رفت. آن گاه بیدار شد و فرمود: ابن عباس!

گفتم: بفرمائید، من این جا حاضرم.

فرمود: می خواهی این خوابی که چند لحظه قبل دیدم برایت بگویم؟

گفتم: چشمان شما به خواب خوش روند، یا امیر المؤمنین خیر است.

فرمود: گویا، دیدم مردانی از آسمان فرود آمدند که پرچم های سفیدی همراه داشتند و شمشیر های خود را که سفید و درخشان بودند حمایل کرده بودند، آن گاه در اطراف این زمین یک خطی کشیدند. سپس گویا، دیدم این نخل ها شاخه های خود را بزمین می زدند و این زمین غرق خون تازه شد! آن گاه حسین علیه السلام که فرزند دلبندم و نازدانه و پاره تنم می باشد در میان دریای خون غرق شده و هر چه استغاثه می کند کسی نیست به فریادش برسد! پس از این ماجرا دیدم مردانی که سفید و نورانی بودند از آسمان نازل شدند و گفتند: ای آل رسول! صبور باشید!

ص: 62

زیرا شما به دست اشرار مردم کشته خواهید شد. یا ابا عبد الله! این بهشت است که مشتاق تو می باشد.

آن گاه ایشان به من تسلیت و تعزیت می گفتند و می گفتند: یا ابا الحسن! مژده باد تو را، زیرا در آن روزی که مردم در محضر عدل خدا قیام می کنند خدا چشم تو را به وسیله این حسین علیه السلام روشن خواهد کرد پس از این جریان بود که بیدار شدم.

قسم به حق آن کسی که جان علی علیه السلام در دست قدرت او می باشد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به من خبر داد؛ من این زمین را موقعی که برای قتال با مردمان ستمکار خارج شوم خواهم دید. این زمین، کرب و بلا می باشد حسین علیه السلام و تعداد هفده نفر از فرزندان من و فرزندان فاطمه علیها السلام در این زمین دفن خواهند شد! این زمین در آسمان ها معروف به کربلاء است، همچنان که بقعه حرمین و بقعه بیت المقدس معروفند.

سپس آن حضرت به من فرمود: ابن عباس! در اطراف این زمین در جستجوی پشکل آهو باش، به خدا قسم که من دروغ نمی گویم و دروغ به من گفته نشده، رنگ آن ها زرد و مانند رنگ زعفران می باشد.

ابن عباس می گوید: من در صدد جستجوی پشکل آهوان بر آمده و آن ها را یافتم، آن گاه آن حضرت را صدا زدم و گفتم: من پشکل آهوان را به همان صفاتی که فرمودی یافتم.

حضرت امیر فرمود: خدا و رسول راست می گویند.

سپس آن بزرگوار هروله کنان نزد آن ها آمد و آن ها را برداشت و بوئید و فرمود: این ها همان است که گفتم.

(يَا ابْنَ عَبَّاسٍ! مَا هَذِهِ الْأَبْعَارُ هَذِهِ قَدْ شَمَّهَا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَلِكَ أَنَّهُ مَرَّ بِهَا وَمَعَهُ الْحَوَارِيُّونَ، فَرَأَى هَذِهِ الطَّبَّاءَ مُجْتَمِعَةً فَأَقْبَلَتْ
إِلَيْهِ الطَّبَّاءُ وَهِيَ تَبْكِي فَجَلَسَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَلَسَ الْحَوَارِيُّونَ، فَبَكَى وَبَكَى الْحَوَارِيُّونَ، وَهُمْ لَا يَدْرُونَ لِمَ جَلَسَ وَلِمَ بَكَى، فَقَالُوا: يَا
رُوحَ اللَّهِ)...

ابن عباس! آیا می دانی این ها کدام پشکل ها می باشند؟ این ها همان پشکل هائی هستند که حضرت عیسی علیه السلام آن ها را بوئید،
زیرا حضرت عیسی علیه السلام با حواریون بر این زمین عبور کردند و آهوانی را دیدند که جمع شده بودند و گریه می کردند. حضرت
عیسی علیه السلام با حواریون نشستند، عیسی علیه السلام گریان شد و حواریون هم گریان شدند. ولی حواریون نمی دانستند عیسی علیه
السلام برای چه گریه می کند.

حواریون گفتند: ای عیسی برای چه گریان شدی!؟

حضرت عیسی علیه السلام فرمود: آیا می دانید، این چه زمینی است؟

گفتند: نه.

فرمود: این همان زمینی است که فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در آن شهید خواهد
شد. همان زهرای بتولی که شبیه مادر من است، فرزند پیغمبر در این زمین دفن خواهد شد این خاکی است که از مشک خوش بوتر است.

ص: 64

زیرا محل دفن پسر پیامبر است که شهید خواهد شد. خاک مدفن انبیاء و فرزندان ایشان نیز چنین خواهد بود. این آهوان به من گفتند: ما از این لحاظ در این زمین می چریم که تربت پاک فرزند پیامبر خدا می باشد و ما در این زمین در امان خواهیم بود.

حضرت امیر علیه السلام فرمود: سپس حضرت عیسی علیه السلام دست خود را به آن پشگل ها زد و آن ها را بوئید و فرمود: خوش بوئی این پشگل ها به جهت آن گیاهانی است که آهوان از این زمین می خورند. پروردگارا! این پشگل ها را نگاه دار تا پدرش آن ها را ببوید و برای او تعزیت و تسلیتی باشد.

و فرمود: این پشگل ها تا امروز مانده اند و رنگ آن ها به خاطر طول زمان زرد شده است و نام این زمین، کرب و بلاء است. سپس با بلند ترین صدا فرمود: ای پروردگار عیسی بن مریم! این عمل را برای کشتندگان حسین علیه السلام و آن افرادی که بر آنان کمک می کنند و اشخاصی که حسین علیه السلام را واگذار می نمایند مبارک مگردان!

سپس حضرت امیر علیه السلام گریه طولانی کرد و ما هم با وی گریان شدیم تا این که آن حضرت به رو افتاد و مدت طولانی غش کرد. بعد از آن که به هوش آمد آن پشگل ها را در میان ردای خود ریخت.

آن گاه به من فرمود: ابن عباس! هر گاه دیدی که این پشگل ها از هم پاشیده و مبدل به خون شدند و خون از آن ها سیلان کرد بدان که امام حسین علیه السلام کشته شده و در این زمین دفن گردیده است.

ابن عباس گوید: به خدا قسم من آن پشگل ها را از آن اعمالی که خدا به من واجب کرده بود بهتر حفظ و حراست می کردم و

هیچ گاه آن ها را از گوشه آستین خود خارج نمی کردم تا این که یک وقت در میان خانه خوابیده بودم وقتی بیدار شدم دیدم پشکل ها تبدیل به خون تازه گردیده و جاری شده اند. و آستین من پر از خون تازه شده.

برخاستم و نشستم و شروع به گریه نمودم و گفتم: به خدا قسم حسین علیه السلام کشته شد!! به خدا قسم علی علیه السلام هر خبری که به من داده هرگز دروغ نبوده و در باره آینده هر چه فرموده همان شده، زیرا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مطالبی را به حضرت امیر علیه السلام خبر می داد که به دیگران خبر نمی داد.

من در موقع فجر با جزع و فزع خارج شدم، به خدا قسم دیدم یک گرد و غباری مدینه را فرا گرفته که یک دیگر را نمی توان دید!! سپس آفتاب بنحوی طلوع کرد که گویا، یک طشت خون بود. گویا، به دیوار های مدینه خون تازه جاری شده باشد. من نشستم و در حالی که گریان بودم با خود می گفتم: به خدا قسم که امام حسین علیه السلام کشته شده.

صدائی از یک طرف خانه شنیدم که این دو شعر را می گفت:

اصْبِرُوا آلَ الرَّسُولِ *** قُتِلَ الْفَرُّخُ النَّحُولُ

نَزَلَ الرُّوحُ الْأَمِينُ *** بَبْكَاءٍ وَعَوِيلٍ

(ای آل رسول! صبر کنید فرزند فاطمه شهید شد.

روح الامین با گریه و ناله نازل شده است).

سپس آن گوینده با صدای بلند گریه کرد و من هم گریان شدم من آن ساعت را که روز عاشورا یعنی دهم ماه محرم بود یادداشت نمودم. هنگامی که خبر شهادت امام حسین علیه السلام به ما

رسید و من آن یادداشت را با آن خبر شهادت تطبیق نمودم دیدم مطابق بود. وقتی راجع به این موضوع با آن افرادی که با آن حضرت بودند گفت گو کردم کردم گفتند: به خدا قسم آن چه را که تو شنیدی ما هم شنیدیم، این اشعار را در حال جنگ شنیدیم. ولی نمی دانستیم گوینده آن ها کیست! ما این طور تصور می کردیم که او خضر علیه السلام بوده است. (1)

بررسی روایت:

قدیمی ترین مصدري که این روایت در آن نقل شده است دو کتاب شیخ صدوق به نام های (الأمالي) و نیز (کمال الدین) می باشد که شیخ در این دو کتاب این روایت را به اسناد متصل خویش نقل نموده است؛ البته در طریق شیخ راویانی مجهول همچون (تمیم بن بهلول و پدرش) وجود دارد لذا روایت از لحاظ سند ضعیف می باشد اگر چه بنابر مقبول بودن نزد شیخ صدوق بتوان آن را پذیرفت. والله العالم.

ص: 67

1- ر.ک: الأمالي الصدوق : 597 ح 5؛ کمال الدین الصدوق 2: 533 ح 1؛ الخرائج و الجرائح راوندی 3: 1145؛ مدينة المعاجز 2: 165 ح 472؛ بحار 252:44 ح 2؛ العوالم الإمام الحسين عليه السلام: 143 ح 2؛ الخصائص الحسينية: 231؛ نصيري، کاظم، اهل بیت عليهم السلام في الكتاب المقدس: 119 .

فصل دوّم: نوحه گری حیوانات بعد از شهادت امام حسین علیه السلام

اشاره

ص: 69

روایات شعور مندی عزاداری حیوانات بعد از شهادت امام حسین علیه السلام

روایات معتبر و فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که همگی گویای این حقیقت می باشند که بعد از شهادت ابی عبد الله الحسین علیه السلام تمام موجودات عالم، که از جمله آن ها حیوانات بودند - حتی حیوانات وحشی - همگی برای آن حضرت گریه کرده و به خاطر شهادت آن بزرگوار دچار حزن و اندوه گردیدند.

نمونه ای از آن روایات عبارتند از:

1- حارث اعور گوید: امام علی علیه السلام فرمود:

(بِأَبِي وَأُمِّي الْحُسَيْنِ الْمَقْتُولِ بَطْهَرِ الْكُوفَةِ ، وَاللَّهِ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْوُحُوشِ مَادَّةَ أَعْنَاقِهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ

ص: 70

أنواع الوحش، يَبْكُونَهُ وَيَرْتُونَهُ لَيْلًا حَتَّى الصَّبَاحِ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَإِيَّاكُمْ وَالْجَفَاءَ). (1)

(پدر و مادرم فدای حسینی که در پشت کوفه (یعنی کربلا) شهید خواهد شد. به خدا قسم گویا می بینم که انواع و اقسام حیوانات وحشی گردن های خود را روی قبر حسین علیه السلام نهاده و شب تا صبح برای حسین گریه می کنند و مرثیه می خوانند وقتی آن زمان آمد از جفا کاری بر حذر باشید).

2- حسین بن ثور بن ابی فاخته، یونس بن ظبیان ابی سلمه سراج و مفضل بن عمر همگی گویند: شنیدیم امام صادق علیه السلام می فرمود:

(إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا مَضَى بِكَتِّ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِلِبُ عَلَيْهِنَّ، وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَ مَا خَلَقَ رَبُّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى). (2)

ص: 71

-
- 1- ر.ک: کامل الزیارات: 486 ح 3؛ ذوب النصار: 23 ح 7؛ بحار 205:45 ح 9؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام: 2: 489
مدينة المعاجز 4: 164 ح 1186؛ مستدرک الوسائل 10: 258 ح 11956؛ مستدرک سفينة البحار 10: 263.
2- کامل الزیارات: 81 ح 3؛ بحار 205:45 ح 10؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام: 461 ح 15 .

(هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید آسمان های هفت گانه و طبقات هفت گانه زمین و آن چه در آن ها و بین آن ها بود و تمام موجودات و جنبندگان بر روی آن ها و بهشت و دوزخ و تمام اشیائی که پروردگار ما آن ها را آفریده و موجودات مرئی و نا مرئی همه آن حضرت گریستند).

3- مفضل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خویش علیهم السلام فرمود: روزی امام حسین علیه السلام به حضور برادرش امام حسن علیه السلام وارد شد در حالی که گریه می کرد.

امام مجتبی علیه السلام پرسید: ای ابا عبد الله! چرا گریه می کنی؟

عرض کرد: می گریم بر ظلمی که در حق تو می شود.

امام حسن علیه السلام فرمود:

(إِنَّ الَّذِي يُؤْتِي إِلَيَّ سَمًّا يَدْسُ إِلَيَّ فَأَقْبَلُ بِهِ وَ لَكِنْ لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَزْدَلِفُ إِلَيْكَ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّةٍ جَدْنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ وَ يَنْتَجِلُونَ دِينَ الْإِسْلَامِ فَيَجْتَمِعُونَ عَلَيَّ قَتْلِكَ وَ سَفْكَ دَمِكَ وَ انْتِهَاكَ حُرْمَتِكَ وَ سَبِي ذَرَارِيكَ وَ نَسَائِكَ وَ انْتِهَابِ ثِقْلِكَ، فَعِنْدَهَا تَحِلُّ بَيْبِي أُمِّيَّةَ اللَّعْنَةِ، وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ رَمَادًا وَ دَمًا وَ يَبْكِي عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوُحُوشِ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الْحَيْتَانِ

ص: 72

(آن چه بر سر من می آید این خواهد بود که سَمی برایم به توطئه داده می شود و با آن به شهادت می رسم ولی هیچ روزی مانند روز تو نیست، سی هزار مرد که ادّعاء می کنند از امت جدمان هستند و خود را به دین اسلام نسبت می دهند به خاطر تو و ریختن خون تو و هتک حرمت تو، و اسیر گرفتن فرزندان و زنان تو و غارت دارایی و اثاثیه تو اطراف تو را می گیرند. در آن موقع لعنت به بنی امیّه می رسد، و آسمان خاکستر و خون می بارد و هر چیزی حتّی حیوانات وحشی بیابان ها و ماهیان دریا ها بر تو گریه می کنند). (1)

4- روایت امام صادق علیه السلام که می فرماید:

حضرت زهرا علیها السلام در حالی که فرزندش امام حسین علیه السلام را مادرش می برد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امام حسین علیه السلام را در بغل گرفت و فرمود:

(لَعْنَةُ اللَّهِ قَاتِلَكَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ سَائِلِكَ وَ أَهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَازِرِينَ عَلَيْكَ وَ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ).

ص: 73

1- امالي الصدوق: 115 ح 3؛ المناقب 3: 238؛ اللهوف : 25؛ ذوب التضار في شرح الثار: 27؛ مشير الأحنان: 23؛ مدينة المعاجز 3: 394 ح 104؛ بحار 5: 218 ح 44 العوالم - الإمام الحسين عليه السلام : 154 ح 3؛ درر الأخبار: 320 ح 3؛ كلمات الإمام الحسين عليه السلام : 217 ح 176.

(خداوند قاتل و ربایندگان اشیاء تو را لعنت کند! خدا افرادی را که بر علیه تو قیام می کنند هلاک نماید! خدا بین من و آن افرادی که بر علیه تو قیام می نمایند حکم فرماید)!

حضرت زهرا ی اطهر علیها سلام گفت: پدر جان چه می گوئی؟

فرمود: ای دختر عزیزم! به یاد آن اذیت و ظلم و ستم آمدم که بعد از من و تو دچار حسینم خواهد شد، حسینم در آن روز در میان گروهی است که گویا، ستارگان آسمان هستند و به سوی شهادت می شتابند، گویا من لشکر گاه و موضع اثاث و تربت آنان را می بینم.

فاطمه زهراء گفت: پدر جان! این موضعی که شما آن را توصیف می کنی کجا است؟

فرمود: موضعی است که آن را کربلاء می نامند و آن موضع برای ما و امامان و امت، خانه کرب و بلاء است. گروهی از اشرار امت من بر حسین و یارانش حمله و خروج می کنند که اگر عموم افرادی که در آسمان ها و زمین هستند برای احدی از ایشان نزد خدا شفاعت کنند پذیرفته نخواهد شد و آنان همیشگی در دوزخ خواهند بود.

فاطمه اطهر گفت: پدر جان آیا حسین من شهید خواهد شد!؟

فرمود:

(نَعَمْ يَا بِنْتَاهُ وَ مَا قُتِلَ قَتْلَتُهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ، وَ بَيْنَكِيهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ، وَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْوَحْشُ وَ النَّبَاتَاتُ وَ الْبِحَارُ، وَ الْجِبَالُ وَ لَوْ يُؤْذَنُ لَهَا مَا بَقِيَ عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ، وَ يَأْتِيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبِّينَا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ

أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَلَا أَقَوْمٌ بِحَقِّنَا مِنْهُمْ، وَ لَيْسَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَمِثُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلُمَاتِ الْجَوْرِ وَ هُمْ الشَّفَعَاءُ، وَ هُمْ
وَأَرْدُونَ حَوْضِي غَدًا أَعْرِفُهُمْ إِذَا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسِيمَاهُمْ، وَ كُلُّ أَهْلِ دِينٍ يَطْلُبُونَ أَنْمَتَهُمْ وَ هُمْ يَطْلُبُونَنَا لَا يَطْلُبُونَ غَيْرَنَا، وَ هُمْ قِوَامُ الْأَرْضِ وَ بِهِمْ
يُنزَلُ الْغَيْثُ).

آری، ای دختر عزیزم! به نحوی شهید می شود که احدی قبل از او شهید نشده باشد! آسمان ها، زمین ها، ملائکه، وحوش، گیاهان، دریا ها و کوه ها برای حسینم گریان می شوند. اگر خدا به آن ها اجازه دهد نفس کشی در روی زمین باقی نیست که تنفس کند. گروهی از دوستداران ما نزد حسین علیه السلام می آیند که در روی زمین به خدا عالم تر و به حق ما ثابت تر از ایشان نخواهد بود در روی زمین احدی غیر از آنان نیست که متوجه حسین شود. ایشان در تاریکی های ظلم و ستم چراغ های درخشنده ای هستند. آنان شفاعت خواهند کرد، ایشانند که فردای قیامت وارد حوض کوثر من خواهند شد، موقعی که بر من وارد شوند ایشان را بوسیله علائمی که دارند می شناسم، اهل هر دینی امامان خود را می طلبند، ولی آنان غیر از ما کسی را نخواهند طلبید. ایشانند که باعث قوام زمین می باشند و باران برای خاطر آنان نازل می شود. (1)

ص: 75

1- کامل الزیارات: 144 ح 2؛ تفسیر فرات: 171 ح 219؛ بحار 264:44 ح 22؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام - : 139 ح

پرندگان به اراده الهی، با گزارش شهادت امام حسین علیه السلام با دیگر پرندگان اقطار گیتی نیز بر آن حضرت سوگواری کردند و به منظور سایبان ساختن و جلوگیری از تابش خورشید سوزان عاشورا بر پیکر به خون خفته او، بال های خود را بر روی پیکرش گسترده و در مدینه و در کنار قبر پیامبر، در سوگ او ناله های جانسوز سر دادند. (1)

عزا داری پرندگان

خداوند پرندگان را نوحه سرای حسین علیه السلام قرار داد. همچنین آن ها بال های خود را بر پیکر مطهر امام گشودند و در مدینه کنار قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای امام نوحه سرایی کردند و خبر شهادت حسین علیه السلام را به پرندگان دیگر رساندند.

از طریق اهل بیت علیهم السلام چنین روایت شده است:

هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید و جسم شریف او در سرزمین کربلا بر زمین افتاد و خونس بر زمین ریخت ناگاه پرنده سفیدی آمد و خود را به خون حضرت آغشته کرد و پرواز نمود. خون از بال های آن پرنده می چکید او پرندگانی را دید که در سایه درختان و بر شاخه ها نشسته و هر کدام از دانه، علف

آب حرف می زدند.

ص: 76

1- ر.ک: بحار 45:191؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام - 493 ح 10.

پرنده ای که خود را به خون امام علیه السلام آغشته کرده بود به آنان گفت: وای بر شما آیا به بازی، یاد دنیا و ملامتی آن مشغولید در حالی که امام حسین علیه السلام در این هوای گرم و سوزان در سرزمین کربلا با لب تشنه و سر بریده که خون مبارکش جاری است بر روی خاک گرم افتاده است؟

پرنندگان به طرف کربلا به پرواز در آمدند، وقتی رسیدند دیدند که امام حسین علیه السلام را با تن بی سر، بدون غسل و کفن بر زمین افتاده است، بدنی که غبار آن را در بر گرفته و استخوان های آن زیر سم اسب ها در هم شکسته است، زائری و حیوانات وحشی بیابان ها و صحرا های بی آب و علف، و ندبه کنندگان او جنیان دشت های نرم و سخت است، تربت سرزمین کربلا- از انوار او نورانی و فضا از درخشش پرتو او نور افشانی شده است.

هنگامی که پرنندگان این منظره را دیدند صیحه زدند، فریاد کشیدند و صدای خود را به شیون و ناله بلند کرده، و در خون آن حضرت، غلطیدند وقتی که بال های خود را به خون آغشته نمودند، هر کدام به ناحیه ای پرواز کردند تا اهل آن دیار را از کشته شدن امام حسین علیه السلام، باخبر کنند.

از قضای الهی و تقدیر حضرت باری یکی از این پرنندگان طرف مدینه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرواز کرد، او به مدینه رسید، در آسمان شهر مدینه بال های خود را تکان می داد و خون از بال هایش به زمین می چکید و دور قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دور می زد و (با زبان خود) صدا می زد:

(أَلَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بِكَرْبَلَاءَ، أَلَا ذُبِحَ الْحُسَيْنُ بِكَرْبَلَاءَ)

آگاه باشید! که حسین علیه السلام در کربلا کشته شد، آگاه باشید! در کربلا سر از تن او جدا کردند.

پرندهگان مدینه وقتی صدای او را شنیدند دور او جمع شده و بر آن امام مظلوم می گریستند و نوحه می کردند.

مردم مدینه چون این منظره را دیدند که پرندهگان ناله و شیون می کنند و خون از بال آن پرنده می چکد نفهمیدند که چه شده است مدتی گذشت و روزهایی سپری شد و خبر شهادت امام حسین علیه السلام رسید آن موقع فهمیدند که آن پرندهگان، خبر کشته شدن فرزند فاطمه بتول علیها السلام و نور دیده حضرت رسول را به پیامبر

خدا صلی الله علیه و آله و سلم می دادند. (1)

بررسی روایت:

تنها مصدر اصلی این روایت نیز، کتاب (بحار الأنوار) علامه مجلسی رحمة الله علیه می باشد که در هیچ کتابی قبل از آن نقل نشده است. با توجه به این که علامه نیز این روایت را بدون ذکر سند و تنها با عبارت (رُوی) نقل می کند نمی توان به روایت اعتماد نمود، لذا روایت از درجه اعتبار چندانی برخوردار نمی باشد ولیکن نگارنده در مورد این روایت توقف نموده و آن را رد نمی نمایم. و الله العالم.

ص: 78

در همان روزی که آن پرنده به مدینه آمده بود، در این شهر، مردی یهودی زندگی می کرد. او دختری داشت که کور، کر و فلج بود، بیماری جذام همه بدن او را فرا گرفته بود. به همین جهت، یهودی دختر خود را در باغی که در بیرون مدینه داشت نگه داری می نمود.

از سوی دیگر؛ آن پرنده به سوی آن باغ به پرواز در آمد و در شاخه درختی نشست و خون از بال هایش می چکید و همه شب را ناله می زد و می گریست.

از قضا و قدر الهی، در آن شب پیشامدی برای یهودی رخ داد که به خاطر آن به مدینه برگشت و نتوانست همان شب را به باغی که دختر بیمارش در آن جا بود، برگردد.

آن شب، دختر بیمار در باغ تنها ماند و از تنهایی نتوانست بخوابد، زیرا شب های دیگر پدرش به او قصه می گفت و او را تسلی می داد تا خوابش می برد.

نزدیک سحر بود، دختر بیمار، صدای ناله و شیون پرنده ای را شنید خود را به هر نحوی بود روی زمین کشید و به طرف صدا آمد تا به زیر درختی که پرنده در آن بود؛ رساند، و چون خود قلبی حزین داشت به ناله های پرنده گوش می داد و از دلی محزون و سوزان با آن پرنده هم ناله می شد و شیون می کرد.

در این اثنا قطره ای خون، از بال های پرنده چکید و بر چشم نابینای دخترک افتاد قطره ای دیگر بر چشم دیگرش افتاد. چشمان او باز و بینا شد، قطره ای بر دست ها و قطره ای دیگر بر

پاهای او افتاد و بهبودی یافت بالأخره هر قطره ای از آن خون پاک بر جسم دخترک می افتاد از برکات خون امام حسین علیه السلام از همه بیماری ها شفا می یافت.

دختر بیمار از برکت خون سید الشهداء علیه السلام از همه بیماری هایش شفا یافت، آفتاب دمید و صبح شد پدرش از مدینه به سوی باغ آمد، دید دختری در باغ راه می رود متوجه نشد که دختر خودش است از او پرسید من در این باغ دختری بیمار داشتم که قدرت حرکت نداشت آیا او را ندیدی؟

دخترش گفت: سوگند به خدا! من دختر تو هستم.

چون یهودی این سخن را شنید بی هوش شد، وقتی حالش خوب شد بر خاست. دخترک، بابای یهودی را به کنار درختی که آن پرنده در شاخه آن لانه کرده بود، برد. دید پرنده ای است غمگین، از دل محزون و سوزناک بر مصایب مظلوم کربلا امام حسین علیه السلام ناله می زند.

یهودی گفت: ای پرنده! قسمت می دهم به آن خدایی که تو را آفرید، با قدرت خدا با من حرف بزن.

پرنده به قدرت الهی با دیده گریان سخن گفت، آن گاه قصه خود را تعریف کرده و گفت:

(إِنِّي كُنْتُ وَآكِرًا عَلَى بَعْضِ الْأَشْجَارِ مَعَ جُمْلَةِ الطُّيُورِ عِنْدَ الظَّهْرِ إِذَا بِطَيْرٍ سَاقِطٍ عَلَيْنَا وَهُوَ يَقُولُ: أَيُّهَا الطُّيُورُ تَأْكُلُونَ وَتَتَنَعَّمُونَ وَ
الْحُسَيْنُ فِي أَرْضِ كَرْبَلَاءَ فِي هَذَا الْحَرِّ عَلَى الرَّمْضَاءِ طَرِيحًا ظَامِنًا...)

من با عده ای از پرندگان در بالای درختی لانه داشتم. هنگام عصر بود که پرنده ای در میان ما آمد و گفت: ای پرندگان! شما می خورید و از زندگی لذت می برید در حالی که امام حسین علیه السلام در سرزمین کربلا در این هوای گرم و سوزان، با لب تشنه بر زمین افتاده، خون از گلویش جاری و سر مبارکش از تن جدا و بر بالای نیزه بلندی قرار دارد. زنان و اهل حرم او با پای برهنه و غربانه اسیر شده اند. هنگامی که پرندگان این سخن را شنیدند همگی به طرف کربلا به پرواز در آمدند وقتی به آن جا رسیدند. دیدند بدن شریفی در آن بیابان افتاده که غسل او از خونس و ریگ هایی که بر بدن او ریخته شده کفش بود.

همه ما بر روی آن بدن مبارک افتادیم و نوحه کرده و خود را به خون شریف او آغشته نمودیم، و هر کدام از ما به ناحیه ای به پرواز در آمدیم و من به این مکان آمدم.

چون یهودی این قضیه را شنید تعجب کرد گفت: اگر حسین علیه السلام در پیشگاه خدای متعال صاحب قدر و منزلت والایی نبود خون او درمان همه درد ها نمی شد.

آن گاه یهودی و دخترش یهودی و دخترش به دین اسلام مشرف شده و آن را پذیرفتند.

علامه مجلسی رحمه الله علیه در کتاب (بحار) اضافه می کند: هم زمان با یهودی و دخترش پانصد نفر از خویشان او نیز به برکت این شفای شگفت انگیز به دین اسلام مشرف شدند. (1)

ص: 81

این روایت نیز همانند روایت پیشین می باشد.

عزاداری جغد

حسین بن ابی عَندَر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: هیچ کس جغد را در روز دیده است؟

گفته شد: روز کمتر ظاهر می شود و غیر از شب ظاهر نمی گردد.

حضرت فرمود:

(أَمَّا إِنَّهَا لَمْ تَزَلْ تَأْوِي الْعُمُرَانَ أَبَدًا فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ آلَتْ عَلَى نَفْسِهَا أَنْ لَا تَأْوِي الْعُمُرَانَ أَبَدًا، وَ لَا تَأْوِي إِلَّا الْخَرَابَ فَلَا تَزَالُ نَهَارَهَا صَائِمَةً حَزِينَةً حَتَّى يَجْنَهَا اللَّيْلُ فَإِذَا جَنَّتْهَا اللَّيْلُ فَلَا تَزَالُ تَرِنُّ عَلَى الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ حَتَّى تُصْبِحَ).

(آیا نه چنین است که جغد دائماً در مکانی که آباد است جایگزین می شد ولی موقعی که امام حسین علیه السلام شهید شد جغد قسم خورد که ابداً در مکان های آباد منزل و مأوا نگیرد! و جز در خرابه ها جای گزین نشود. جغد در همه روز روزه و محزون می باشد تا شب فرارسد. هنگامی که شب می شود همچنان برای امام حسین علیه السلام ناله می کنند تا صبح شود). (1)

ص: 82

1- ر.ک: کامل الزیارات: 199 ح 1؛ مدینه المعاجز 4: 181 ح 251؛ بحار 45: 213 ح 34 و 61: 329 ح 1؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام: 492 ح 6.

مرحوم ابن قولویه (متوفای 386 ق) این روایت را در کتاب ارزشمند (کامل الزیارات) نقل کرده است که اسناد آن نیز از درجه وثاقت بالایی برخوردار می باشد.

عزاداری ذوالجناح

ذوالجناح به معنای بالدار، نام اسب امام حسین علیه السلام که روز عاشورا بر آن نشسته بود. از آن جهت که این اسب، رهوار و تندرو بوده است، به آن ذوالجناح می گفته اند. (1)

مرحوم شعرانی در ترجمه نفس المهموم گوید: (این اسب معروف به ذوالجناح است و در تواریخ و مقاتل معتبر قدیم که در دست ما است این نام نیست مگر در روضه الشهداء ملا حسین کاشفی... و در مقتلی که منسوب به ابی اسحاق اسفراینی است و اعتبار ندارد، نام آن را میمون آورده است و گوید: از اسبان مخصوص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود). (2)

در زیارت ناحیه مقدسه از این اسب، با عنوان (جواد) یاد شده که بازین و حالت پریشان روی به خیمه ها نهاد:

ص: 83

-
- 1- ر. ک، فریشلر، کورت، (ترجمه منصور، ذبیح الله) امام حسین علیه السلام و ایران: 417، محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا؛
 - 2- شعرانی، ابو الحسن، دمع السجوم (ترجمه نفس المهموم شیخ عباس قمی): 402.

(فَلَمَّا رَأَيْنِ النَّسَاءَ جَوَادَكَ مَخْزِيًّا وَنَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُوبًا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لَأَطِمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَ بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ وَ بَعْدَ الْعَزِّ مُذَلَّلَاتٍ وَ إِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ وَ الشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ وَ مُوَلِّعٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمَهْنَدِهِ). (1)

(پس چون بانوان حرم اسب تو را با آن هیئت و بدون سوار مشاهده نمودند که زینش واژگون و پالش پر از خون است از خیمه ها بیرون آمدند در حالی که موهای خود را پریشان و بر صورت خود سیلی می زدند و نقاب از چهره ها می افکندند و به صدای بلند شیون می کردند و به سوی قتلگاه می شتافتند در همان حال شمر ملعون بر سینه مبارکت نشستته بود و محاسن شریفیت را در یک دست گرفته و با دست دیگر با خنجر سر از بدنت جدا می کرد).

از بسیاری علاقه و مهربانی که نسبت به صاحب و راکب خویش از خود نشان داد دشمنان او را به (مهر) (2) تشبیه کردند. (3)

مرحوم طریحی در کتاب منتخب می نویسد:

ص: 84

1- نك: المزار المشهدی : 504؛ بحار 98: 322؛ صحيفة المهدي عليه السلام 302.

2- کلمه مهر با میم مضمون یعنی بچه اسب که از مادرش جدا نشود و هر چه آن را بزنند باز به سمت مادر گراید و چون این اسب از امام علیه السلام جدا نمی شد از این رو به مهره تشبیه شد.

3- به نقل از: ذهنی، تهرانی سید محمد جواد، مقتل از مدینه تا مدینه: 745 .

چون حضرت را شهید کردند، ذوالجناح شیهه می زد و در میان کشته ها قدم می زد، عمر سعد حرام زاده گفت این اسب را بگیرد که از اسب های نجیب و اصیل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، هر کس پیش می آمد آن حیوان با دندان و لگد از خود دور می کرد تا آن که گروهی از آن کافران را به درک اسفل روانه ساخت، پسر سعد دید چاره آن را نمی توانست که بتواند آن حیوان را بگیرد لذا گفت دست از آن بر دارید ببینیم چه می کند مردم کنار رفتند دیدند آن حیوان به سر نعش امام علیه السلام آمد و ایستاد شروع کرد به شیهه نمودن و ناله کردن و همه لشگر دیدند که آن حیوان حضرت را بو می کند و با دهان زخم های بدن حضرت را می بوسد و اشک می ریزد سپس دیدند که آن حیوان کاکل خود را به خون حضرت آغشته کرده و از میدان برگشت و روی به خیمه بانوان محترمه آورد و چنان شیهه می کشید که صحرا را از صدای خود پر کرده بود وقتی به خیمه ها نزدیک شد تمام بانوان محترمه سر و پای برهنه بیرون دویدند آن حیوان را که دیدند ناله از دل بر کشیده و صورت خراشیدند و ناله و اسیداه و وا حسیناه سر داده و به دور آن حیوان حلقه ماتم زدند و هر کدام با این حیوان زبان حالی داشتند. (1)

پیلتن اسب چرا با رخ مات آمده ای

شاه را بردی و تنها ز فرات آمده ای

در روایت امام باقر علیه السلام آمده است که پس از شهادت امام، این اسب با همه هم می گفت:

ص: 85

1- همان.

(الظَّالِمَةَ الظَّالِمَةَ لِأُمَّه قَتَلَتْ إِبْنِ بِنْتِ نَيْبِهَا). (1)

(وای از ستم امّتی که فرزند دختر پیامبر خود را کشتند)

و با همان فریاد رو به خیمه ها آورد.

به ناگه رفرع معراج آن شاه *** که با زین نگون شد سوی خر گاه

بر و بالش پر از خون دیده گریان *** تن عاشق کشش آماج پیکان

به رویش صیحه زد دخت پیمبر *** که چون شد شه سوار روز محشر

کجا افکندیش چون است حالش *** چه با او کرد خصم بد سگالش

مر آن آدم وش پیکر بهیمه *** همی گفت الظلیمه الظلیمه

سوی میدان شد آن خاتون محشر *** که جو یا گردد از حال برادر

ندانم چون بدی حالش در آن حال *** نداند کس بجز دانای احوال

خونی که روی یال تو پیداست، ذو الجناح *** خون همیشه جاری، مولاست، ذو الجناح

ص: 86

1- ر.ك: بحار 266:44 ح 23؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام : 150 ح 10؛ مستدرک سفینه البحار 9:3؛ شجرة طوبی 2:328؛
کلمات الإمام الحسين عليه السلام 142 ح 112.

یک قطره آفتاب به روی تنت نشست *** بوی خدا ز یال تو بر خاست، ذو الجناح

عشق حق از برج زین شد سر نگون *** ماء و طین سیماب سان شد بی سکون

ذو الجناح شاه دین از دود آه *** این سپهر نیلگون کردی سیاه

الظلیمة الظلیمة ورد او *** بر خیام شاه دین بنهاد رو

دختران از یک سو، از یک سو زنان *** بر رکاب و بر سمش بوسه زنان

پایمال بوسه از سر تا به دم *** پیکرش در زیر بوسه گشت گم

زینب محزون ره میدان گرفت *** از فروغ او خور تابان گرفت

بر بلندی شد که بیند شاه را *** بر سر نی دید خونین ماه را

سکینه و اسب پدر

هنگامی که بانوان اهل بیت صدای اسب را شنیدند، حضرت زینب علیها السلام رو به سکینه کرد و گفت:

ص: 87

(قَدْ جَاءَ أَبُوكَ بِالمَاءِ فَأَخْرَجِي إِلَيْهِ لِشُرْبِي).

پدرت با آب آمد، برو و بنوش.

وقتی سکینه از خیمه بیرون آمد، دید اسب پدرش تنها، بی سر نشین، خونین یال، با زین واژگون آمده است و در شیهه پیاپی او خبر شهادت موج می زند. سکینه ناله ای جان سوز سرداد و گفت:

(وَاقْتِيْلَاةٌ وَغَرِيْبَةٌ وَحُسَيْنَاةٌ... (1)

ای شهید! ای غریب! ای حسین!...

مرحوم اسفراینی و نیز حبیب الله شریف کاشانی می نویسند: سکینه دست بر پیشانی اسب گذاشت و اشعار ذیل را خواند: (2)

ویلك یا میمون ارجع و لاتصل *** و اخبرنا بالقضاء کیف انزلا

و این ترکت السبط میمون قل لنا *** و این الذی قد کان للخطب مجملا

امیمون تغدی بالحسین و هولنا *** کفیل و للحمل الثقیل تحملا

امیمون ضیعت الحسین و جتتنا *** تحمحم فی خیماتنا ثم تصهلا

ص: 88

1- ر.ک: اسفراینی، ابو اسحاق (متوفای 10 ق)، نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام: 51.

2- همان.

امیمون اشقیت العدی من ولینا *** و القیته بین الاعادی مجدلا

امیمون ارجع لاتطیل خطابنا *** فان عدت ترجوا عندنا تؤملا...

وای بر تو ای اسب! بر گرد و بی صاحب میا و به ما بگو که چگونه این حادثه اتفاق افتاد؟

ای اسب! به ما بگو پدرم را، آن سبط پیغمبر را، در کجا رها کردی؟ کجاست آن کسی که برای تحمل پیشامد ناگوار، زبده و نمونه بود؟

ای اسب پر میمنت! با حسین رفتی اما تنها آمدی. او سر پرست ما بود و بار سنگین مشکلات ما را بر دوش داشت. ای اسب! حسین را رها کردی و آمدی این جا سر و صدا راه انداخته و شیبه می کشی؟

ای اسب! ولی و سر پرست ما را میان دشمنان مجروح و به خون تپیده انداختی و آنان را با کشتن او به شقاوت و سیه بختی رساندی.

ای اسب! بر گرد، سخن را طولانی مکن، برو پدرم را بیاور. اگر او را آوردی، نزد ما امیدوار و محترم خواهی بود.

و به روایت دیگر اسفراینی و فاضل در بندی، حضرت سکینه دست ها را روی سر گذاشت و اشعار ذیل را خواند: (1)

ماتَ الْفَخَارُ وَ ماتَ الْجُودُ وَ الْكِرْمُ *** وَ اغْبَرَّتِ الْأَرْضُ وَ الْآفَاقُ وَ الْحَرَمُ

ص: 89

1- همان.

وَاعْلَقَ اللَّهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ فَلَا (فَمَا) *** تَرْقَى لَهُمْ دَعْوَةٌ تُجَلَىٰ بِهَا إِلَيْهِمْ

يَا أُخْتَ قَوْمِي أَنْظِرِي هَذَا الْجَوَادَ أَتَىٰ *** يُنَبِّئُكَ أَنَّ إِبْنَ خَيْرِ الْخَلْقِ مُخْتَرَمٌ

مَاتَ الْحُسَيْنُ فَيَا لَهْفِي لِمَصْرَعِهِ *** وَصَارَ يَعْلُو ضِيَاءَ الْأُمَّةِ الظُّلْمِ

يَا مَوْتُ هَلْ مِنْ فِدَا يَا مَوْتُ عَوْضٌ *** فَاللَّهُ رَبِّي مِنَ الْفَجَارِ يَنْتَقِمُ

يَا أُمَّةَ السُّوءِ لَا سَقِيَا لِمَرْبَعِكُمْ *** يَا أُمَّةَ اعْجَبْتَ مِنْ فَعْلِهَا الْأُمَّمِ

افتخار مرد، جود و کرم مرد و زمین و آفاق و حرم خدا غبار آلود شدند.

خداوند در های آسمان را بست و از این پس برای آنان هیچ دعایی بالا نمی رود تا به وسیله ی آن غم ها زدوده و قلب ها صاف شود.

ای خواهر من! برخیز و نگاه کن! این اسب آمده و خبر می دهد که پسر بهترین خلق خدا شهید شده است.

حسین کشته شد، افسوس از کشته شدنش، و نورانیت امت اسلام با شهادت او تاریک شد.

ای مرگ! آیا قربانی می پذیری؟ ای مرگ! آیا عوض قبول می کنی؟ اگر قبول نمی کنی بدان که خداوند بزرگ، پرودگار من است و از کافران انتقام خواهد گرفت.

ای امت بد! سرزمین شما سیراب نشود. ای امتی که تمام امت ها از کار شما تعجب خواهند کرد!

وقتی سایر بانوان حرم ناله جان سوز سکینه را شنیدند، از خیمه بیرون آمدند. ناگهان اسب امام حسین علیه السلام را برهنه و بی سر نشین و واژگون زین دیدند، پس به صورت خود زده، گریبان چاک کردند و با ناله و فریاد گفتند:

(وَ مُحَمَّدَا! وَ عَلِيَا! وَ حَسَنَا! وَ حُسَيْنَا! الْيَوْمَ مَاتَ مُحَمَّدُ الْمُصْطَفِي، الْيَوْمَ مَاتَ عَلِيُّ الْمُرْتَضَى، الْيَوْمَ مَاتَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ).

ای محمد! ای علی! ای حسن! ای حسین! امروز روز رحلت محمد مصطفی است، امروز روز شهادت علی مرتضی است، امروز روز شهادت فاطمه ی زهراست (یعنی امروز داغ و مصیبت محمد، علی و فاطمه تازه شده است).

شریف کاشانی می نویسد: چون صدای گریه سکینه به گوش زنان رسید و اشعارش بشنیدند، تمام آن ها صیحه زنان و گریه کنان از خیمه بیرون آمدند و گردا گرد آن اسب را گرفتند و صدا به ناله و شیون بلند کردند.

زدند دست و دریدند جامه در بر خویش *** به آه و ناله کشیدند معجز از سر خویش

پس هر یک از آن زنان دلسوخته با آن اسب به زبانی سخن می گفت که دل سنگ آب می شد. یکی می گفت پدرم را چه کردی؟ آیا کسی او را آب داد یا نه؟ و یکی می گفت برادرم را چه کردی؟

یکی زو نشان پدر خواستی *** یکی از برادر خیر خواستی

شریف کاشانی اشعار ذیل را در این بحث آورده است:

چه کردی خداوند اسلام را؟ *** چه کردی شهنشاه ایام را؟

چه خاک است ای اسب بر روی تو *** زخونی که سرخ است گیسوی تو؟

کجا گذاشتی آن شافع قیامت را؟ *** چه کردی آن گل گلدسته ی امامت را؟

کجاست روشنی دیده ی رسول الله؟ *** چه شد حیات جهان علی ولی الله؟

زبان حال حضرت سکینه با ذو الجناح

خطاب من بتو ای ذو الجناح بی راکب *** بگو به کجا است مرا سرور و تو را صاحب

چه روی داده که کار تو ناله و زاری است *** چرا ز هر بن موی تو خون روان جاری است

چرا تمامی یال تو غرق خون گشته *** چرا از پشت تو زین تو واژگون گشته

خدنگ ظلم تو را همچنان هما کرده است *** تنت به مثل عقاب از چه پر بر آورده

ص: 92

ز بهر چیست که جاریست اشک گلنارت *** ز خون کیست که مالیده ای به رخسارت
اگر که خون رخت نیست از گلوی حسین *** رسد ز بهر چه آن قدر از تو بوی حسین
بدین صفت که تو را غرق خاک و خون نگرم *** یقین که چرخ جفا پیشه کرده بی پدرم
شهی که خاک رهش بود زیب عرش برین *** کدام گوشه میدان فکندیش به زمین
در آن زمان که ز تیر مخالفان غرور *** تن مطهر او شد چه خانه ی زنبور
کسی گرفت ز خاک بلا سرش یا نه *** رساند هیچ کس آبی به حنجرش یا نه
کنون که خاک دل از دیده ام بر آوردی *** کز آن که باب مرا بردی و نیاوردی
مرا برای رضای خدا ببر بر او *** که تا ز خاک به زانو نهم دمی سر او
ز خون دیده نهم بر جراحش مرهم *** زخم به دیده اش آبی از چهره پر نم
رسانیم تو در این آفتاب اگر ببرش *** کنم ز موی سر خویش سایبان به سرش

دمی اگر بگذارند کوفیان به منش *** کنم ز سوزن مژگان رفو بزخم تنش

مرا ببر که بگویم به آن کشیده تعب *** بیا که شمر کشد معجز از سر زینب

مرا ببر که بگویم دو دیده باز کند *** به نعش اکبر خود خیزد و نماز کند

رقم زنی اگر این گونه شرح این غم را *** به سوز و آه تو جودی تمام عالم را

سر نوشت ذو الجناح

بنا بر نقل ابن شهر آشوب در کتاب (المناقب) حضرت سید الشهداء علیه السلام تا آخرین حد و لحظه توان خود سوار بر اسب خویش بود و مقاومت و جنگ می کرد و در پایان نیز از روی همین اسب بر روی خاک گرم کربلا افتاد.

نه ذو الجناح دگر تاب استقامت داشت *** نه سید الشهداء بر قتال طاقت داشت

بلند مرتبه شاهی ز صدر زین افتاد *** اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد

در سر نوشت این اسب نیز چندین نقل قول وجود دارد:

ص: 94

1- در برخی منابع از عبد الله بن قیس نقل شده که گوید: دیدم اسب امام، پس از شهادت حضرت، وحشت زده از نزد بانوان گریخت و خود را به آب فرات انداخت و ناپدید شد. (1)

2- مرحوم ابن شهر آشوب در المناقب از محمد بن ابی طالب نقل می کند:

(ثُمَّ أَقْبَلَ يَرْكُضُ نَحْوَ خَيْمَةِ النِّسَاءِ وَهُوَ يَصْهَلُ وَيَضْرِبُ الْأَرْضَ بِرَأْسِهِ عِنْدَ الْخَيْمَةِ حَتَّى مَاتَ). (2)

سپس به سرعت متوجه خیمه ها شد، وقتی نزد خیمه همچنان بانگ می زد و سر خود را به زمین می کوبید تا مُرد.

3- مؤلف کتاب (روضه الشهداء) از ابو المؤید خوارزمی نقل می کند که ذو الجناح بعد از شهادت امام علیه السلام به سمت بیابان فرار کرد و کسی از وی نشانی نیافت. (3)

4- مرحوم فاضل در بندی می نویسد: شهر بانو بر وی سوار شد و به شهر ری آمد. (4)

البته این نقل ضعیف بوده و اعتباری ندارد.

5- بعضی هم نوشته اند که این حیوان از کربلاء روی به مدینه آورد و آمد مقابل مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و خبر شهادت امام علیه السلام را به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسانید و الآن در خدمت امام زمان علیه السلام می باشد. (5)

ص: 95

1- ر.ک: مقتل از مدینه تا مدینه : 748؛ تذکرة الشهداء : 353؛ فرهنگ عاشورا

2- ر.ک: بحار 45:60؛ العوالم - الإمام الحسين عليه السلام - 304.

3- ر.ک: مقتل از مدینه تا مدینه: 748 .

4- همان.

5- همان.

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام از پدرش امام زین العابدین علیه السلام برای من روایت کرد و فرمود:

چون حسین علیه السلام کشته شد کلاغی آمد و خود را به خون آن حضرت آغشته کرد. آن گاه پرواز کرد و در مدینه بر روی دیوار خانه فاطمه صغری، دختر امام حسین علیه السلام نشست. فاطمه علیها السلام سر بلند کرد و نگاهی به کلاغ انداخت، گریست و این اشعار را خواند:

1- نَعَبَ الْغُرَابُ فَقُلْتُ مَنْ تَنْعَاهُ وَيَلِكَ يَا غُرَابُ *** قَالَ الْإِمَامَ فَقُلْتُ مَنْ؟ قَالَ الْمَوْفِقَ لِلصَّوَابِ

2- إِنَّ الْحُسَيْنَ بِكَرْبَلَاءَ بَيْنَ الْأَسِنَّةِ وَالصَّرَابِ *** فَأَبْكِي الْحُسَيْنَ بِعَبْرَةٍ تُرْجَى إِلَاهَ مَعَ الثَّوَابِ

3- قُلْتُ الْحُسَيْنُ؟ فَقَالَ لِي حَقًّا لَقَدْ سَكَنَ التُّرَابَ *** ثُمَّ اسْتَقَلَّ بِهِ الْجَنَاحُ فَلَمْ يُطِقْ رَدَّ الْجَوَابِ

فَبَكَيْتُ مِمَّا حَلَّ بِي بَعْدَ الدَّعَاءِ الْمُسْتَجَابِ. (1)

1- کلاغ سیاه خبر مرگ آورد. من گفتم: ای کلاغ وای بر تو! خبر مرگ که را آورده ای؟ گفت: خبر مرگ امام آورده ام. گفتم: کدام امام؟ گفت: آن امامی که در نیک رفتاری موفق بود.

ص: 96

1- ر.ک: تاریخ مدینه دمشق 24:70؛ مقتل الحسين عليه السلام الخوارزمي 92:2؛ احقاق الحق 492:11؛ فرائد السمطين 2:163 ح 451؛ بحار 141:45 ح 19؛ العوالم الإمام الحسين عليه السلام 490؛ با کاروان حسینی 5:41 و 6:336.

2- همان حسینی که در کربلا بین نیزه و شمشیر شهید شد. برای حسین علیه السلام گریه کن و یک نوع اشکی بریز که امید ثواب از خدا داشته باشی.

3- گفتم: حسین!؟ به من گفت: حَقًّا که خاک ساکن شد. سپس آن کلاغ بر خاست و نتوانست جواب بگوید. و من از این مصیبتی دیدم بعد از دعائی که مستجاب شد گریه کردم).

بررسی روایت:

بنا بر آن چه در این روایت ذکر شده در زمانی که امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسیده و تا رسیدن خیر شهادت آن حضرت به مدینه، یکی از دختران آن حضرت به نام فاطمه صغری در مدینه حضور داشته است. ولیکن نقل مسلم مورخین چنین است که یک دختر از امام حسین علیه السلام به نام فاطمه در کربلا حضور داشته و جزء اسیران بوده است. بسیاری از منابع تحت عنوان فاطمه بنت الحسین علیه السلام از ایشان نام برده اند (1) و برخی تحت عنوان فاطمه صغری، اما درباره حضور فاطمه صغری، در مدینه مدرک معتبر و مهمی جز روایت ذکر شده در دست نمی باشد.

آن چه مسلم است امام حسین علیه السلام دو فرزند دختر به نام فاطمه نداشتند که یکی صغری باشد و یکی کبری (2) و شاید آوردن قید

ص: 97

1- شماری از مورخین خطبه ای را که در کوفه بعد از حضرت زینب علیه السلام خوانده شده به فاطمه صغری نسبت می دهند (ر.ک: اللهوف: 194؛ بحار: 45: 110؛ مقتل کعبی: 108؛ اسیران و جانبازان کربلا: 183).

2- نک: اسیران و جانبازان کربلا: 183.

صغری به خاطر حضور فاطمه بنت علی علیه السلام در کربلا و جمع اسیران بود، نه این که امام حسین دو فاطمه داشته یکی صغری و دیگری کبری؛ که چنین نیست. (1)

با توجه به این و بنا بر آن چه برخی از محدثین همچون ابن عساکر ذکر کرده اند، (2) اسناد این حکایت (ذکر شده در متن) ثابت نیست چرا که فاطمه صغری همراه دیگر اسیران در کربلا حضور داشته است. و الله العالم.

دانه نخوردن گنجشکان

خوارزمی از شخصی به نام مُشطاح و زّاق نقل می کند که گوید: از فتح بن سُخْرَف (3) شنیدم که می گفت: من هر روز برای گنجشکان دانه می پاشیدم و می خوردند. اما در روز عاشورا برایشان دانه ریختم ولی نخوردند. از این جا دانستم که به خاطر قتل حسین علیه السلام از خوردن خودداری کرده اند. (4)

ص: 98

1- مظفری، محمد، اسیران و جانبازان کربلا: 182.

2- ر.ک: ابن عساکر (متوفای 571 ق) تاریخ مدینه دمشق 24:70.

3- خطیب بغدادی (متوفای 463 ق) در تاریخ بغداد 12:379 رقم 6843 و نیز ذهبی (متوفای ق 748) در کتاب (سیر الاعلام النبء) 13:93 و 8:387 نام او را (فتح بن سُخْرَف) نقل کرده اند که گویا در سال 73 قمری وفات یافت. خطیب بغدادی در تاریخ بغداد (12:379 رقم 6843) گوید: او یکی از جهان گردان پارسا بود. سر انجام در بغداد سکونت گزید و تا پایان عمر به پارسایی و نیکو کاری شهرت داشت.

4- ر.ک: مقتل الحسین خوارزمی 2:91؛ بحار 45:310؛ مع الרכب الحسینی 5:40.

علامه مجلسی رحمه الله علیه نیز این روایت را در کتاب بحار با اسناد کامل خویش نقل نموده که برخی از راویان در اسناد نیز مجهول می باشند؛ ولیکن با توجه به روایات عزا داری پرندگان و نوحه گری آن ها این روایت را می توان حمل بر صحت نمود دانه نخوردن گنجشکان نیز می تواند نمونه ای از عزا دار بودن آن ها باشد.

مسلم است که فردی که دانه ها را برای گنجشک ها می ریخته بعداً به واسطه دانستن شهادت امام حسین علیه السلام و زمان و موقعیت آن، این حکایت را نقل نموده است. به هر حال احتمال او به واقع بسیار نزدیک است که این نوع از پرنده ها نیز در عزای ماتم عزیز زهرا علیها السلام این گونه به سوگ نشسته و در ماتم آن حضرت عزا دار بوده باشند.

پاسبانی شیر از بدن مقدس

مرحوم کلینی در کتاب کافی شریف از ادريس بن عبد الله نقل کرده:

(لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرَادَ الْقَوْمُ أَنْ يُوْطِئُوهُ الْخَيْلَ).

هنگامی که حضرت ابا عبد الله الحسين علیه السلام شهید شد لشکر کافر کوفه و شام خواستند بر پیکر آن حضرت اسب بتازند. فضه (از کنیزان حضرت زهرا علیها السلام) به حضرت زینب علیها السلام عرضه داشت: ای

خانم! سفینه (1) که غلام آزاد کرده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود وقتی در دریا کشتی او شکست و به آب افتاد خود را به جزیره رسانید، شیری در آن جزیره قصد هلاکت او را کرد، سفینه گفت:

(يَا أَبَا الْحَارِثِ أَنَا مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ).

ای شیر من آزاد کرده رسول خدایم مرا اذیت مکن.

(فَهُمْهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى وَقَفَهُ عَلَى الطَّرِيقِ).

چون شیر نام مبارک رسول خدا را صلی الله علیه و آله و سلم شنید متعرض هلاک او نشد، همه‌مه کرده به اشاره او را آورد بر سر راه رسانید.

سپس فضّه به زینب کبری علیها السلام عرضه داشت:

ای بانو شنیده‌ام در این حوالی شیری است اگر مرا اجازه فرمائی بروم آن شیر را از این واقعه خبر کنم و به او آگاهی دهم که این مردم فردا چه خواهند کرد (و جسد مولای ما را حراست کند)

حضرت اجازه داد.

فضّه روی به صحرا نهاد تا خود را به محل آن شیر رساند نزدیک رفت و با صدای بلند فرمود:

ص: 100

1- این شخص چون در سفر بار زیادی را همراه خود حمل می کرده به این نام مشهور شده است. اسمش مورد اختلاف می باشد؛ (قیس)، (مهران)، (عمر) و (سعید بن جمهان) از اسم هایی است که برای او گفته شده و کنیه اش نیز (ابا ریحانه) و (عبد الرحمان) است. ذهبی گوید: ام سلمه او را آزاد نمود در مورد حکایتش نیز اختلاف وجود دارد که حاصلش این می باشد که راه را گم کرده و شیری او را هدایت نموده و راه را نشانش داده است. (ر.ک: شرح اصول کافی 7: 235).

(يَا أَبَا الْحَارِثِ! فَرِّعْ رَأْسَهُ).

ای شیر! پس شیر سرش را بلند نمود.

(ثُمَّ قَالَتْ: أَتَدْرِي مَا يُرِيدُونَ أَنْ يَعْمَلُوا غَدًا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

پس فضّه به او گفت: ای شیر می دانی این گروه فردا با امام حسین علیه السلام چه بنمایند؟

(يُرِيدُونَ أَنْ يُوْطِئُوا الْخَيْلَ ظَهْرَهُ).

اراده کرده اند اسب ها را بر بدن سید الشهداء بتازند (و استخوان سینه و پشت آن حضرت را توتیا سازند).

چون شیر این خبر را شنید غرش کنان روی به قتلگاه سید الشهداء علیه السلام آورد و با چشم پر حسرت به آن کشته ها نگریست و در تفحص جسم و پیکر بی سر سرور شهیدان میان کشته ها می گشت به هر کشته که می رسید نگاهی می کرد و می گذشت تا آن که به بدن چاک چاک امام علیه السلام رسید. (پیکری دید که تمام اعضاء و جوارحش از هم گسسته و هیچ عضو سالمی از آن نمانده) پس دست خود را روی آن کشته به خون آغشته نهاد.

لشگر کوفه و شام وقتی پیش آمدند (و خواستند مرکبان خود را بر پیکر امام علیه السلام بدوانند) آن منظره را دیدند خبر به عمر بن سعد حرام زاده دادند آن ملعون گفت: این فتنه ای است که نباید افشاء و آشکار شود. [\(1\)](#)

ص: 101

1- ر.ک: الکافی 1: 465 ح 8 جلمع الرواة 1: 368؛ شرح اصول کافی 7: 235؛ مدینه المعاجز 3: 469 ح 36؛ بحار 45: 169 ح 17؛ العوالم الإمام الحسين عليه السلام: 488 شجرة طوبى 1: 34؛ مقتل از مدینه تا مدینه 750 .

روایت نقل شده دارای نکاتی است که قبول این روایت را مشکل می نماید.

قبل از آن که بررسی روایت بیان شود، متذکر می شوم که برخی از محدثین همچون علامه مجلسی رحمة الله علیه این روایت را قبول نموده و بر اساس همین روایت نقل شده از کتاب (کافی) معتقد است که لشکر عمر سعد موفق به اسب تاختن بر بدن مطهر امام حسین علیه السلام نشدند. (1)

اما نکاتی که باید در این روایت بر آن کمی تأمل نموده و در مورد آن اندیشید:

1- این روایت از امام معصوم علیهم السلام نقل نشده و نقل اهل تاریخ است.

2- از جمله راویان این خبر، (ابو سعید اشج)، (عبد الله بن ادریس) و پدرش می باشند که همگی مجهول الحال هستند.

پس روایت به لحاظ سند اعتباری ندارد.

علامه مجلسی رحمة الله علیه نیز در کتاب (مرآت العقول) این روایت را مجهول دانسته است. (2)

مرحوم مازندرانی در کتاب (منتهی المقال) (3) گفته است: در کافی به سندی ضعیف ... و سپس این روایت را ذکر کرده است.

3- اما از لحاظ متن:

ص: 102

1- نک: بحار 60:45 .

2- نک: مرآة العقول 5:368 .

3- نک: حائری مازندرانی ابوعلی، منتهی المقال 3:355 .

الف: الفاظ متن روایت از استواری بر خور دار نیست. مثلاً عبارت (و الأسد رابض) و نیز (غداً) با آن که واقعه اسب تاختن در روز عاشورا واقع شده است.

ب: از لحاظ عقلی بسیار بعید است که سی هزار مرد جنگی یک شیر را نتوانند دفع کنند و از مقاصد پلید و شوم خود به خاطر یک شیر دست بکشند با آن که واقعه اسب تاختن از وقایعی است که می توان گفت قطعی الوقوع است و اکثر ارباب مقاتل آن را نوشته اند و بلکه نام آن ده نفری که مباشرت بر این عمل کردند را نیز ضبط نموده اند (1) و کمتر کتابی است که واقعه

ص: 103

1- این ده تن عبارتند از: اسحاق بن حویه - که پیراهن حسین علیه السلام را بر داشت - أخنس بن مرتد، حکیم بن طفیل سنبلی، عمر بن صبیح صیداوی، رجاء بن منقذ عبدی، سالم بن خثیمه جعفی، واحظ بن ناعم، صالح بن وهب جعفی، هانی بن ثبیت حضرمی و اسید بن مالک. سید بن طاووس در کتاب (لهوف: 115) گوید: (راوی گوید: این ده تن آمدند و در برابر ابن زیاد ایستادند. یکی از این ده تن به نام اسید بن مالک گفت: ما نخست سینه و بعد پشت را کوبیدیم، با اسبانی تیز رو ابن زیاد پرسید شما که هستید؟ گفتند: ما کسانی هستیم که با اسبان خویش بر پشت و سینه حسین اسب تازانده ایم، به طوری که استخوان های سینه اش خرد شده است. دستور داد جایزه نا چیزی به آنان دادند! ابو عمر زاهد گوید: وقتی در سابقه این ده تن دقیق شدیم دیدیم که همگی زنا زاده هستند. مختار آنان را گرفت و دست و پایشان را به زنجیر آهنین بست و بر آن ها اسب تازاند که هلاک شدند). ر. ک: تاریخ الطبری 3: 335؛ الکامل فی التاریخ 3: 295؛ مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی 2: 44؛ أسد الغابه فی معرفة الصحابه 2: 21؛ أنساب الاشراف 3: 409؛ مقاتل الطالبیین: 118؛ تاریخ ابي الفدا 1: 266؛ المنتظم 5: 341؛ تاریخ الخميس 2: 298؛ البدایه و النهایه 8: 191؛ المناقب 4: 112؛ روضة الواعظین: 189؛ مروج الذهب 37: 72؛ الخطط المقریزیه 2: 288.

کربلا را ضبط کرده باشد و این واقعه را ذکر نکرده باشد؛ مانند (مروج الذهب) مسعودی (متوفای 345 ق) که از موثق ترین کتب تاریخ است و (الارشاد) شیخ مفید و (مناقب) ابن شهر آشوب و تذکره سبط بن جوزی و (تاریخ طبری) و (مقاتل) ابی الفرج اصفهانی که نقل کرده اند:

(مختار بن ابی عبیده ثقفی چون در صدد انتقام قاتلان ابی عبد الله الحسین علیه السلام بر آمد، اول امری که از او صادر شد در باب مباشرین این عمل (اسب تاختن) بود و هر ده نفر را دست گیر کرد و فرمود تا بر پشت خوابانیدند و میخ های آهنین بر دست و پاس هر یک کوبیده و تن آن ها را پایمال اسبان کردند.

شیخ مفید در (الأمالی) و ابن شهر آشوب نیز در (مناقب) نقل نموده اند که:

(زنی نوحه گر که نامش (زرّه) بود در خواب دید فاطمه زهرا علیها السلام اشعاری به او یاد داد که در مرثیه حسین علیه السلام نوحه گری نماید و آن اشعار این بود:

1- أَيُّهَا الْعَيْنَانِ فَيْضًا *** وَاسْتَهْلًا لَا تَغِيظًا

2- وَابْكِيَا بِاللِّطْفِ مَيْتًا *** تَرِكَ الصَّدْرُ رَضِيضًا

3- لَمْ أَمْرَضُهُ قَتِيلًا *** لَا وَ لَا كَانَ مَرِيضًا (1)

ص: 104

1- أمالی مفید : 63؛ المناقب 4:63؛ بحار 45:227 .

1- ای چشم‌ها ببارید و بگریید و کوتاهی نکنید.

2- بر کشته طف بگریید که سینه اش کوبیده شده بود.

3- من پس از مرگ از او پرستاری نکردم و اصلاً بیمار نبود که پرستاریش کنم.

ج: و آخرین سخن در مورد این روایت کلام نورانی استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله علیه که می‌فرماید: از جمله تحریفات لفظی که در مورد حادثه عاشورا اتفاق افتاده همین روایت است. و در ادامه آن می‌فرماید: (که متأسفانه در کافی نیز آمده است) و در پا ورقی کتاب حماسه حسینی خود می‌نویسد: (در منتخب طریحی و اسرار الشّهادة در بندی از یک مرد اسدی نیز نقل شده شب‌ها شیری می‌آمد و عاقبت معلوم شد که آن شیر علی بن ابی طالب است (العیاذُ بالله!)). (1)

عزا داری حیوانات در دامنه کوهی در کشمیر

شهید بزرگوار آیت الله دستغیب رحمه الله علیه می‌فرماید عالم بزرگوار جناب حاج سید محمد رضوی کشمیری، فرزند مرحوم مرتضی کشمیری گوید:

در کشمیر در دامنه کوهی حسینه ای است و اطراف آن به گونه ای است که می‌توان از بیرون، داخل آن را دید و پشت بام آن نیز به جهت روشنایی و هوا مقداری باز است.

ص: 105

1- نک: حماسه حسینی: 586.

هر سال در ایام عاشورا، در آن حسنیة اقامه عزای حضرت سید الشهداء علیه السلام می شود و گروهی از شیعیان جمع می شوند و عزاداری می کنند. از شب اول محرم از بیشه نزدیک، شیری می آید و به پشت بام حسینیة می رود و سرش را از همان روزنه، داخل می کند و عزاداری را می نگرد و قطرات اشک پشت سر هم فرو می ریزد و تا شب عاشورا، آن شیر به همین کیفیت بر پشت بام می آید و پس از پایان مجلس می رود. ایشان فرمود: در این قریه هیچ وقت شب اول محرم مشتبه و مورد اختلاف نمی شود و با آمدن شیر معلوم می شود شب اول محرم، ماه عزاداری امام حسین علیه السلام است. (1)

بررسی حکایت:

اگر چه باور این حکایت بسیار دشوار است ولیکن با توجه به نقلی که از آن در کشمیر شده و نیز حکایت کردن عالمان بزرگوارى همچون شهید دستغیب رحمة الله علیه و آیت الله حاج سید مرتضی کشمیری رحمة الله علیه می توان آن را پذیرفت والله العالم.

عزاداری حیوانات در کوه الوند

شهید بزرگوار آیت الله دستغیب رحمة الله علیه می فرماید:

ص: 106

1- کرامات الحسنية 1:101؛ داستان های شگفت: 284؛ نجفی یزدی، سید محمد، اسرار عاشورا: 226؛ آثار و برکات حضرت امام حسین علیه السلام: 76.

عالم جلیل و کامل نبیل، صاحب کرامات باهره و مقامات ظاهره آخوند زین العابدین سلماسی - اعلی الله مقامه - گوید:

چون از سفر زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مراجعت کردیم؛ عبور ما به کوه الوند افتاد که در نزدیکی همدان واقع شده است. پس در آن جا فرود آمدیم و موسم بهار بود.

همراهان مشغول خیمه زدن شدند و من به دامنه کوه نظر می کردم. ناگاه چشمم به چیز سفیدی افتاد، چون تأمل کردم پیر مرد محاسن سفیدی را دیدم که عمامه کوچکی بر سر داشت و بر سکویی که قریب به چهار ذرع ارتفاع داشت، نشسته بود و بر دور آن سنگ های بزرگی چیده بود که به جز سرش چیزی نمایان نبود.

پس نزدیک او رفتم و سلام کردم و مهربانی نمودم. با من انس گرفت و از جای خود فرود آمد و مرا خبر داد که از گروه ضاله (صوفیه) نیست که به جهت بیرون رفتن از عهده تکالیف، اسم های مختلف بر خود گذاشته اند و با قیافه های عجیب بیرون می آیند! بلکه برای او اهل و اولاد بوده است و پس از اصلاح امور ایشان، برای فراغت در عبادت، از آن ها عزلت اختیار کرده است. و در نزد او رساله های علمیه از علمای آن عصر بود و می گفت: هیجده سال است که در آن جا ساکن شده است.

او می گفت: اول آمدن من به این جا ماه رجب بود، چون پنج ماه و اندی گذشت؛ شبی مشغول نماز مغرب بودم، ناگاه صدای ولوله ی عظیمی آمد و آواز های غریبی شنیدم! پس ترسیدم و نماز را کوتاه کردم و در این دشت نگاه کردم. دیدم بیابان از حیوانات پر شده است و همه آن ها رو به من می آیند اضطراب و

و خوفم زیاد شد و از آن اجتماع حیوانات تعجب کردم. و چون دیدم در میان ایشان حیوانات مختلفه و متضاده چون شیر و آهو و گاو کوهی و پلنگ و گرگ با هم مختلط هستند و با صدا های عجیبی صیحه می زنند! سپس در این محل دور من جمع شدند سر های خود را به سوی من بلند کرده و فریاد می زدند!

با خود گفتم: دور هم جمع شدن این وحوش و درندگانی که با هم دشمن هستند. برای دریدن من نیست زیرا اگر برای دریدن من بود، باید هم دیگر را می دریدند. پس این اجتماع برای امر بزرگی می باشد! باید یک حادثه عجیبی در دنیا رخ داده باشد. وقتی خوب فکر کردم فهمیدم امشب شب عاشورای حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می باشد و این فریاد ها و سر و صدا ها و فغان و اجتماع و نوحه گری و گریه و ناله برای مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام است. وقتی مطمئن شدم، عمامه را از سر برداشتم و با دست بر سر خود زدم و خود را از این مکان انداختم و می گفتم (حسین، حسین، شهید کربلا حسین) و امثال این کلمات را می گفتم.

پس حیوانات در میان خود جایی برایم خالی کردند و دورم حلقه زدند. بعضی از حیوانات سر به زمین می زدند و بعضی خود را در خاک می انداختند و همین طور تا طلوع فجر عزا داری می کردیم!

سپس آن ها که وحشی تر از همه بودند، رفتند و به همین ترتیب یک یک حیوانات رفتند و متفرق شدند از آن سال تا به حال که مدت هیجده سال است این عادت آن ها است و هر وقت که من محرم را فراموش می کنم و یا بر من مشتبه می شود،

آن ها با جمع شدنشان به من توجه می دهند. (1)

بررسی حکایت:

این حکایت نیز همانند حکایت پیشین می باشد.

کلام آخر

سخن آخر این نوشتار را با یک حکایت معتبر از احترام حیوانات به قبر امام حسین علیه السلام پایان می دهیم و متذکر می شوم که حیوانات این گونه به قبر امام علیه السلام احترام می گذارند. آری با این که حیواند ولی باز حرمت نگه داشته و نسبت به امام علیه السلام عنایت ویژه ای دارند اما در مقابل انسان نما هایی نیز وجود داشته و دارند و این زمان آن ها را نیز فراوان می بینیم که چگونه بی شرمی خود را به نهایت رسانیده و هتک حرمت عتبات عالیات را دارند.

آری، بین فرق از کجاست تا کجا...

احترام حیوانات به قبر امام حسین علیه السلام

عبد الله بن رایبه طوری گوید:

ص: 109

1- ر.ک: داستان های شگفت : 285؛ کرامات الحسینیة 2: 127؛ ترجمه دار السلام نوری 4: 360؛ دار السلام مرحوم عراقی : 500؛ منتهی الآمال 1: 840 .

در سال 247 قمری چون از حج برگشتم به عراق رفتم و امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت نمودم و برای زیارت حسین علیه السلام راهی کربلا شدم، وقتی به کربلا رسیدم مشاهده کردم بارگاه حضرت را خراب کرده اند و زمین را آبیاری نموده و گاو ها را برای شخم زمین آماده ساخته اند.

من به چشم خود دیدم گاو ها بر آن زمین رانده می شدند، گاو ها می آمدند تا نزدیک قبر می رسیدند وقتی نزد قبر مقدس امام حسین علیه السلام می رسیدند جلو نمی رفتند؛ بلکه به سوی راست و چپ خود می رفتند آن زبان بستگان را به وسیله عصا به شدت می زدند ولی ثمری نداشت و آن حیوان ها قبر امام حسین علیه السلام را به هیچ وجهی پایمال نمی کردند. چون من به زیارت قبر امام حسین علیه السلام موفق نشدم لذا در حالی راهی بغداد شدم که این اشعار را می گفتم:

تَا اللَّهُ إِنْ كَانَتْ أُمِّيَّةٌ قَدْ أَتَتْ *** قَتَلَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا مَظْلُومًا

فَلَقَدْ أَنَاهُ بَنُو أَبِيهِ بِمِثْلِهَا *** هَذَا لَعَمْرُكَ قَبْرُهُ مَهْدُومًا

أَسْفُوا عَلَى أَنْ لَا يَكُونُوا شَائِعُوا فِي قَتْلِهِ فَتَتَّبَعُوهُ رَمِيهَا

1- به خدا قسم اگر کفار بنی امیه پسر دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در حالی که مظلوم بود به قتل رسانیدند.

2- پسران پدر او یعنی بنی عباس نظیر آن عمل را انجام دادند و به جان تو قسم که قبر امام حسین علیه السلام را خراب کردند.

3- بنی عباس متأسف بودند که چرا در قتل امام حسین علیه السلام مشایعت از بنی امیه نکردند (چو به آن منظور نائل نشدند

لذا) به جستجوی استخوان های آن حضرت رفتند (و قبرش را خراب نمودند).

هنگامی که وارد بغداد شدم سر و صدائی شنیدم.

گفتم: چه خبر است؟

گفتند: پرنده ای خبر مرگ جعفر متوکل را آورده است.

من تعجب کرده و گفتم: پروردگارا! امشب در عوض آن شب که متوکل قبر حسین علیه السلام را خراب کرد. (1)

ص: 111

1- ر.ك: الأمالي الطوسی: 329 ح 657؛ بحار 397:45 ح 6؛ العوالم الإمام الحسين عليه السلام 731 ح 1؛ اشک روان بر امیر کاروان: 330.

آثار و بركات حضرت امام حسين عليه السلام، باقى اصفهانی محمد رضا، قم، مؤلف، چاپ اول 1380 شمسی

احقاق الحق و ازهاق الباطل، سيد نور الدين الحسيني المرعشي، انتشارات اسلاميه تهران، بی تا

الاختصاص، شيخ مفيد، تصحيح على اكبر غفاری، نشر جامعه مدرسين، قم، بی تا

أربعين حسينية، حاج ميرزا محمد ارباب، چاپ اول، انتشارات اسوه تهران، 1372 شمسی

الإرشاد في معرفة حجج الله علي العباد، شيخ مفيد، دو جلد، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، نشر دار المفيد، بی تا

اسرار عاشورا، نجفی یزدی سید محمد، 2 ج، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا

اسد الغابه، ابن اثیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا

اسیران و جانبازان کربلا، محمد مظفری سعید، انتشارات زمزم هدایت قم

اشک روان بر امیر کاروان، (دمع العین علی خصائص الحسین علیه السلام ترجمه الخصائص الحسینیّه شیخ جعفر شوشتری، ترجمه محمد حسین شهرستانی، تحقیق مؤسسه علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم. ویراسته علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم قم، دار الکتب (جزائری) 1375 شمسی

امام حسین علیه السلام و ایران، کورت فریشلر، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصور، سازمان انتشارات جاویدان تهران، چاپ پنجم 1360

الامالی، شیخ صدوق، انتشارات کتابخانه اسلامی، 1362 شمسی،

شیخ طوسی، انتشارات دار الثقافة قم، 1414 قمری

شیخ مفید، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 قمری

الإمامة و التبصرة من الحيرة، ابن بابویه القمی، تحقیق و نشر مدرسة الإمام المهدي عليه السلام بقم المقدسة، بی تا

انساب الاشراف، احمد بلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زر کلی، دار الفكر، الطبعة الأولى 1417 قمری

بحار الانوار، مجلسى محمد باقر، 110 جلد، مؤسسة الوفاء بيروت، 1404 قمرى

البداية و النهاية، الدمشقى اسماعيل بن كثير، 14 مجلد، تحقيق على شيرى، نشر دار إحياء التراث العربى بيروت، الطبعة الأولى 1408 قمرى

بصائر الدرجات، صفار قمى محمد بن حسن، تصحيح حاج محسن كوچه باغى، كتابخانه مرعشى قم، 1404 قمرى

تاريخ بغداد أو مدينة السلام، الخطيب البغدادى أبى بكر أحمد بن على، 14 مجلد، نشر دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة الأولى 1417 قمرى

تاريخ الخميس في أحوال أنفس نفيس، حسين بن محمد ديار بكرى (وفات 966ق) مؤسسه شعبان - بيروت، بى تا

تاريخ طبرى، محمد بن جرير طبرى، تحقيق: محمد ابراهيم ابو الفضل، دار المعارف مصر 1960 ميلادى

تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر على شيرى، نشر دار الفكر بيروت، 1415

تحف العقول، حرانى حسن بن شعبه، يك جلد انتشارات جامعه مدرسين قم، 1404 قمرى

التحقيق في كلمات القرآن الكريم، مصطفىوى حسن، بنگاه ترجمه و نشر كتاب تهران، 1360 شمسى

ص: 114

ترجمه ی الإحتجاج، طبرسی ابو منصور احمد بن علی، نشر اسلامیه تهران، چاپ اول 1381 شمسی

ترجمه ی بصائر الدرّجات، زکی زاده رنّانی علیرضا، انتشارات وثوق، چاپ اول 1389 شمسی

ترجمه ی الکافی، مصطفوی حاج سیّد جواد، نشر اسلامیه تهران، چاپ اول، بی تا

تذکره الشهداء، شریف کاشانی ملا حبیب اللّٰه، به اهتمام محمّد شریف، استنساخ 1308 قمری

تفسیر آسان، نجفی خمینی محمد جواد، انتشارات اسلامیه، چاپ اول 1398 قمری

تفسیر جامع، بروجردی سیّد محمّد ابراهیم، انتشارات صدر تهران، چاپ ششم 1366 شمسی

تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، یک جلد، مؤسسه چاپ و نشر، 1410 قمری

تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، تحقیق محمّد حسین شمس الدین، دار الکتب العلمیه بیروت، منشورات محمد

علی بیضون، الطبعة الأولى 1419 قمری

تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، صدر المتالیهین محمد بن ابراهیم، تحقیق محمّد خواجوی، انتشارات بیدار قم، چاپ دوم 1366 تفسیر

قمی، قمی علی بن ابراهیم بن هاشم، 2 جلد، مؤسسه دار الکتاب قم، 1404 قمری

تفسير نور الثقلين، العروسی الحویزی الشیخ عبد علی بن جمعه، مؤسسه اسماعیلیان قم الطبعة الرابعة، 1412 قمری

تفسير المیزان، طباطبایی سید محمد حسین، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ پنجم 1376 شمسی

تفسير العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، 2 جلد، چاپخانه علمیہ تهران

التفسير الوسيط للقرآن الکریم، طنطاوی سید محمد، 15 جلد، بی تا، بی جا

ثواب الاعمال، شیخ صدوق، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، 1364 شمسی

خاتمة المستدرک، النوری الطبرسی الشیخ حسین، 6 مجلد، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث قم، الطبعة الأولى 1415 قمری

الخصال، شیخ صدوق، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1403 قمری

الخرائج و الجرائح، راوندی قطب الدین، 3 جلد، مؤسسه امام مهدی علیه السلام قم، 1409 قمری

الخطط المقریزية، تقی الدین أحمد بن علی بن عبد القادر بن محمد معروف به مقریزی، طبع 1324 قمری مصر، بی جا

ف، الطوسی محمّد بن الحسن، 6 مجلد، تحقیق سیّد علی الخراسانی - سیّد جواد شهرستانی - شیخ محمّد مهدی نجفی، مؤسسة نشر الاسلامی بقم، الطبعة الأولى 1417 قمری

المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، صدر المتألهین، 9 مجلد، نشر دار الإحیاء التراث بیروت، الطبعة الثالثة 1981 م
سه حسینی، مجموعه سخنرانی های استاد شهید مرتضی مطهری درباره حادثه كربلا، انتشارات صدرا، چاپ سی ام
مع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، الاردیلي محمّد بن علی 2 مجلد، نشر مكتبة المحمّدي قم، بی تا
السلام، نوری میرزا حسین، بی جا، بی تا

ن های شگفت، سیّد عبد الحسین دستغیب، دفتر نشر اسلامي، 1375 شمسی

ر الأخبار گزیده ی بحار الأنوار، سید مهدی حجازی، دفتر تبلیغات اسلامي قم، بی تا

ر المنثور فی التفسیر بالمأثور، السیوطی جلال الدین عبد الرحمن ابن أبی بکر، دار المعرفة، الطبعة الاولي 1365 قمری

ثم الاسلام، تمیمی مغربی نعمان بن محمد، 2 جلد، دار المعارف مصر 1385 قمری

ئل الإمامة، طبری محمد بن جریر، یک جلد، دار الذخائر للمطبوعات قم، بی تا

سلوة الحزين المعروف به الدعوات، راوندى قطب الدين، تحقيق و نشر: مدرسة الامام المهدي، الطبعة الأولى 1407 قمرى

دمع السجوم، ترجمه نفس المهموم، شيخ عباس قمى، ترجمه: ميرز ابو الحسن شعرانى، كتاب فروشى اسلاميه، 1374 قمرى

ذوب النصار فى شرح الثار، جعفر بن محمد الحلبي ابن نما، تحقيق فارس حسون كريم، مؤسسة النشر الاسلامي، الطبعة الاولى، قم،
1416 قمرى

رجال ابن داود، تقى الدين ابن داود الحلبي، المطبعة الحيدرية النجف 1392 قمرى

رجال ابن الغضائري، الغضائري احمد بن الحسين، مؤسسة اسماعيليان قم، 1364 قمرى

رجال الكشي، الكشي محمد بن عمرو، مؤسسة النشر في جامعة مشهد، 1348 قمرى

رجال النجاشي، الشيخ أبي العباس أحمد بن على النجاشي الكوفي، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة،
الطبعة الخامسة 1416 قمرى

رجال الطوسي، أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، يك مجلد، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة 1415
قمرى

روضه الواعظين، فتال نيشابورى محمد بن حسن، انتشارات رضى قم، بى تا

روضه الواعظين، ترجمه ی دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ اول 1366 شمسی

سير اعلام النبلاء، الذهبي، 23 مجلد، تحقيق شعيب الأرنؤوط - الأسد، نشر مؤسسة الرسالة بيروت، الطبعة التاسعة 1413 قمری

شرح أصول الكافي، مولى محمد صالح المازندراني، 12 مجلد، بی تا

شرح المنظومة، محقق سبزواری، تصحيح و تعليق آيت الله حسن زاده آملی، 5 مجلد، نشر ناب تهران، چاپ اول 1375 شجرة الطوبی،
حائری محمد مهدی، 2 مجلد، مكتبة

الحيدرية النجف، الطبعة الخامسة 1385 قمری

شعور موجودات در قرآن و حديث، عظيمی علی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده دار الحديث قم

الصحيفة الإمام المهدي عليه السلام، قیومی جواد، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم 1375 شمسی

الصراط المستقيم، علي بن يونس نباطی بياضی، 3 جلد در یک مجلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، 1384 قمری

العوالم الإمام الحسين عليه السلام، البحراني الشيخ عبد الله، تحقيق مدرسة الإمام الهادي عليه السلام قم، الطبعة الأولى 1407 قمری

فرائد السمطين ابراهيم بن محمد بن مؤيد بن عبد الله بن علي بن محمد جويني خراساني (644 - 730)، مؤسسة المحمودى، بيروت،
الطبعة الاولى 1398 قمرى

فرهنگ عاشورا، جواد محدثى، نشر معروف، 1374 شمسى

قصص الأنبياء عليهم السلام، قطب الدين راوندى، تحقيق الميرزا غلام رضا عرفانيان، نشر مؤسسة الهادى قم، الطبعة الأولى 1418 قمرى

قصص الأنبياء عليهم السلام، سيد نعمت الله جزائرى، يك جلد انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى قم، 1404 قمرى

الكافى، كلينى محمد بن يعقوب، 8 جلد، دار الكتب الإسلامية تهران، 1365 شمسى

كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، 1 مجلد، تحقيق شيخ جواد القيوى، مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة الاولى 1417 قمرى

الكامل فى التاريخ، ابن اثير، دار صادر، بيروت، 1399 قمرى

كتاب الأم، الامام الشافعى (م 204 ق)، 8 مجلد، نشر دار الفكر بيروت، الطبعة الثانية 1403 قمرى

كشف الغمة، إربلى علي بن عيسى، 2 جلد، چاپ مكتبة بنى هاشمى تبريز، 1381 قمرى

كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، 2 جلد در يك مجلد، دار الكتب الإسلامية قم، 1395 هجرى قمرى

ص: 120

لسان العرب، ابن منظور، 15 مجلد، نشر أدب الحوزة، الطبعة الأولى 1405 هـ- ق

اللهوف (الملهوف) على قتلى الطفوف، رضی الدین أبو القاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، انتشارات اسوه قم، بی تا

مثیر الاحزان، ابن نما، تحقیق و نشر: مدرسة الامام المهدي عليه السلام قم، چاپ سوّم، 1406 قمری

المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، یک جلد دار الکتب الإسلامیة قم، 1371 هجرى قمری

مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، مؤسسه اعلمی للمطبوعات بیروت، طبع اول 1415 قمری

مدينة معاجز الائمة الاثنی عشر و دلایل الحجج علی البشر، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، مؤسسة المعارف الإسلامیة، الطبعة الاولي 1413 قمری

مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، علامه مجلسی محمد باقر، 26 جلد، دار الکتب الإسلامیة، بی تا

مروج الذهب، مسعودی علی بن حسین، تحقیق یوسف اسعد داغره، دار الهجرة، قم، الطبعة الثانية، 1404 قمری

المزار الكبير، محمد بن المشهدی (م 610 ق)، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، نشر القیوم، الطبعة الأولى 1419 قمری

مستدرک سفینه البحار، نمازی علی، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، بی تا

مستدرک الوسائل، محدث، وری، 18 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، 1408 قمری

مشكاة الانوار، ابو الفضل على بن حسن طبرسی، یک جلد، کتابخانه حیدریه نجف اشرف، 1385 قمری

معجم مقایس اللغة، احمد بن فارس تحقیق: عبد السلام محمد هارون، دار الکتب العلمیه قم، بی تا

مع الרכب الحسینی (ج 4)، مولای عزت الله، انتشارات زمزم هدایت قم، 1385 شمسی

مع الרכب الحسینی (ج 5)، طبسی محمد، جعفر،

مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی ابو عبد الله محمد بن عمر، نشر دار احیاء التراث العربی بیروت، الطبعة الثالثة 1420 قمری

المفردات فی غریب القرآن، ابو القاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، دار المعرفة بیروت، بی تا

مقاتل الطالبین، ابو الفرج اصفهانی، المكتبة الحیدریة النجف، بی تا

مقتل از مدینه تا مدینه، ذهنی تهرانی سید محمد جواد، کانون انتشارات پیام حق، بی تا

مقتل الحسین علیه السلام، عبد الزهراء، کعبی ترجمه عبد الهادی بروجردی، انتشارات اطلاعات تهران، چاپ اول 1375 شمسی

مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، تحقیق محمد سماوی، انوار الهدی، الطبعة الأولى 1418 قمری

منتهى الآمال، شيخ عباس قمى، مؤسسه انتشارات هجرت قم، چاپ دهم، 1376 شمسی

منتهى المقال، ابو علي حائري، تحقيق و نشر مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، اول، 1416 ق

المنتظم، ابن جوزى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، مصطفى عبد القادر عطا، تصحيح: نعيم زر زور، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان،
اول 1412 قمرى

موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، معهد تحقيقات باقر العلوم عليه السلام، منظمة الاعلام الاسلامى، دار المعروف قم، چاپ
دوم 1415

ميزان الحكمة، محمد محمدى رى شهرى، 15 جلد با ترجمه، انتشارات دار الحديث، ويرايش سوم 1377 شمسی

نور العين فى مشهد الحسين عليه السلام، أبو اسحاق اسوانى، نشر مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي و أولاده، مصر 1374 قمرى

وسائل الشيعة، شيخ حر عاملى، 29 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، 1409 قمرى

يك صد موضوع از قرآن كريم، زكى زاده رنانى عليرضا، قم انتشارات پرتو خورشيد، چاپ دوم 1389 شمسی

ص: 123

- ترجمه و تصحیح بصائر الدرجات (2 جلد فارسی)، انتشارات وثوق
- شعور حیوانات در عزای امام حسین علیه السلام، انتشارات وثوق
- در محضر اهل بیت علیهم السلام (14 جلد، فارسی)، انتشارات حدیث نینوا
- مجموعه سر نوشت انسان (4 جلد، فارسی)، مرکز پخش هفت
- معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پاسخ به شبهات آن، انتشارات موعود
- حکمت های حضرت مسیح علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید
- کلمات قصار (دو کلمه ای های حضرت علی علیه السلام) انتشارات پرتو خورشید
- کلمات قصار (سه کلمه ای های حضرت علی علیه السلام)، انتشارات پرتو خورشید
- یک صد موضوع از قرآن کریم، انتشارات پرتو خورشید
- حضرت علی علیه السلام در آئینه معراج، انتشارات پرتو خورشید
- جلوه طه (گلچین شعر مناجات با امام زمان علیه السلام)، انتشارات حدیث نینوا
- شمیم رحمت (گلچین شعر مناجات با خدا)، انتشارات پرتو خورشید
- شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا، انتشارات حدیث نینوا
- معجزات سر مقدس امام حسین علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا

آثار در دست چاپ:

- جامع تفسیر العیاشی (أسانیده، مستدرکاته و شرح غرائبه) (5 جلد، عربی)

- تصحیح و تعلیقہ بصائر الدرجات (2 جلد، عربی)

- پژوهشی در علوم اهل بیت علیهم السلام (2 جلد، فارسی)

- پژوهشی در معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

- شیطان کیست؟ کارش چیست؟

- گناهان زبان

- حکمت نامه حضرت مسیح علیه السلام

- سر نوشت قاتلان امام حسین علیه السلام

ص: 125

فهرست برخی کتب انتشارات وثوق

- معجزه دست دادن: آثار دست دادن با یک دیگر / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1386 .
- همسر دوست داشتنی: راهی برای کسب محبت در زندگی / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387
- داستان ظهور: زیبایی های ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- قصه معراج: حوادث سفر آسمانی پیامبر / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- آغوش خدا: ترس از مرگ را در خود از بین ببرید / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- لطفا لبخند بزنید: شادی و نشاط را تجربه کنید / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- با من تماس بگیرید: راه و رسم دعا کردن / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- در اوج غربت: داستان سفر مسلم بن عقیل به کوفه / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- نوای کاروان: حوادث آغاز قیام امام حسین (علیه السلام) / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- راه آسمان: حرکت امام حسین (علیه السلام) به سوی عراق / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- دریای عطش: ورود امام حسین به کربلا / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- شب رویایی: حوادث شب عاشورا / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387. - پروانه های عاشق: حوادث صبح عاشورا / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- طوفان سرخ: حوادث عصر عاشورا / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387. - شکوه بازگشت: سفر کاروان اسیران به کوفه و شام / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1387.
- هفشت شهر عشق: نگاهی نوبه حماسه عاشورا / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1388.
- در قصر تنهایی: داستان صلح امام حسن (علیه السلام) / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1388.
- فریاد مهتاب: خاطرات مادر مظلوم مدینه / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1388.
- آسمانی ترین عشق: فضائل شیعه اهل بیت بودن / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1389 .
- بهشت فراموش شده: احترام به پدر و مادر / مهدی خدامیان آرنی . قم: وثوق، 1389.

- فقط به خاطر تو: آثار اخلاص در عمل / مهدی خدامیان آرنانی . قم و ثوق، 1389 . - راز خشنودی خدا: آثار کمک کردن به دیگران / مهدی خدامیان آرنانی . قم: و ثوق، 1389 .
- چرا باید فکر کنیم: اهمیت اندیشه و آثار آن / مهدی خدامیان آرنانی . قم: و ثوق، 1389 .
- خدای قلب من: راه آشتی با خدا در قالب دعا / مهدی خدامیان آرنانی . قم: و ثوق، 1389 .
- به باغ خدا برویم: آثار حضور در مسجد / مهدی خدامیان آرنانی . قم: و ثوق، 1389 .
- راز شکر گزاری آثار و برکات شکر نعمت های خدا / مهدی خدامیان آرنانی . قم: و ثوق، 1389 .
- حقیقت دوازدهم: ولادت امام زمان در کتب اهل تسنن / مهدی خدامیان آرنانی . قم: و ثوق، 1389 .
- لذت دیدار ماه: فضیلت زیارت امام رضا (علیه السلام) / مهدی خدامیان آرنانی . قم: و ثوق، 1389 .

- سر زمین یاس: بخشش فدک به فاطمه (سلام الله علیها) / مهدی خدامیان آرانی . قم: وثوق، 1389.
- بانوی چشمه: زندگی حضرت خدیجه همسر پیامبر / مهدی خدامیان آرانی . قم: وثوق، 1389.
- آخرین عروس: زندگی مادر امام زمان حضرت نرجس خاتون / مهدی خدامیان آرانی . قم: وثوق، 1389.
- بصائر الدرجات فی علوم آل محمد (علیهم السلام) (2 جلدی) / محمد بن حسن صفار قمی، ترجمه علیرضا زکی زاده رنانی . قم: وثوق، 1389 .
- سلوک عرفانی / شیخ حسین بحرانی، ترجمه علی شیروانی. قم: وثوق، 1387.
- آوای ملکوتی: تفسیر چهل پیام از زیارت آسمانی عاشورا / سلیمان علوی . قم: وثوق، 1389 .
- ملائکه / آیت الله محمد شجاعی. وثوق، 1387.
- بقیه الله / آیت الله محمد شجاعی .- وثوق، 1387.
- درمان بیماری ها از منظر طب و احادیث / محمد شکروی . قم: وثوق، 1388 .

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

